

انتخابات مجلس؛

شکست رسالت، پیروزی تحریم

انتخابات مجلس سوم، در شرایط سلطه تروری و اختناق و پیگردوسرکوب خونین سازمان های سیاسی و جمعیت ها و شخصیت های انقلابی و ترقی خواه کشور، در زیر آوار بمب و موشک و در حالی که تهران و بسیاری از شهرهای مرکز، جنوب و غرب کشور، از جمعیت خالی شده بودند، در نوزدهم فروردین ماه برگزار گردید.

درگیری جناحین، این بار نه تنها در مبارزه تبلیغاتی با ندها و دستجات "حزبی" رنجگرمی، بلکه در چگونگی اعمال کنترل و نظارت بر صندوق ها نیز متمرکز بود. این امر به مثابه یکی از نمودارهای بارز تئوریک و فساد مجموعه حکومت، دورا از نظارت نبوده است. هرچه حکومت فاسدتر و منقورتر می شود، چپال و آرا و صندوق ها در "انتخابات" برای رژیم الزامی شروحی ترمیمی بود و به تبع آن نقش عامل "کنترل و نظارت" فزونی می یابد.

درگیری بر سر تصاحب صندوق ها که از مدت ها قبل به صورت دعوی وزارت کشور و شورای نگهبان و تفاسیر مختلف از قانون اساسی و قانون انتخابات آغاز شده بود، در روزهای انتخابات به اوج خود رسید. وزارت کشور به پیشگرمی خمینی، به شمول مالی "فقهی عظیم" نشان شورای نگهبان پرداخت، خود را همه کاره انتخابات و مصادره "فقهی عظیم" نشان، خط خود را پیش برد.

در جریان این کارزار، شورای نگهبان که در انتخابات مجلس دوم، تقریباً، همه کاره بود این بار در عمل به پایزی رفته نشد. و بعد از تشکیل "مجمع تشخیص مصلحت"، دو مین فوجی را از "اما معزز" دریاقت کرد.

درگیری و تقابل با دویسی با فقه و وزارت کشور و شورای نگهبان - دوا رگانی که به زعم رئیس جمهور رژیم، می باشد به مثابه دویال قوی یک پرنده نیرومند، نظام را به پیش ببرند - حدت تضادها و بحران درون حکومت را بیش از پیش به نمایش گذاشت.

در جریان انتخابات، اختلافات و مباحثات درون حکومت تا بدینجا لا گرفت که در "اما معزز" روحانیت مبارز تهران، انشعب شد و این بیگانه مهم ترین حادثه در جریان انتخابات است.

با روشن شدن این مسئله که مخالفین دولت و به ویژه سرمداران "روحانیت مبارز تهران" و شورای نگهبان، به استیلا بیشنهادی "دفتر امام" موافقت نخواهند کرد، خمینی از دوسو، تعرض تازه را سازمان داد؛ از زبونی دست وزارت کشور باز گذاشت تا تحت نظر "بیت امام" پروبال فقهی "شورا" را قیچی کند و از سوی دیگر - هنگامی که از تمکین "روحانیت مبارز تهران" نا امید شد - فرمان انشعب را صادر کرد.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره

تهاجم راهزنانه آمریکا در خلیج فارس

مستقل و تلافی مخرب برای بحران تکریدن اوضاع در خلیج فارس از زبانی می کند. ما از همه مجامع بین المللی و از شخص دبیرکل سازمان ملل متحد می خواهیم که به هر وسیله ممکن مانع از تکرار این فجایع گردند. لگام زدن به امپریالیسم آمریکا و ممانعت از هرگونه وسعت یا بی دامنه عملیات نظامی و جنگ در خلیج فارس اکنون اهمیت فوق العاده یافته است. سکوت در برابر این راهزنی دریائی غیر مجاز و فریاد بل توجیه است.

در روزهای ۲۸ و ۲۹ فروردین ماه ۶۷ (برابر ۱۷ و ۱۸ آوریل ۸۸) نیروهای نظامی آمریکا بی مسئولیت در خلیج فارس دو سکوی نفتی و دو ناو شکن نیروی دریائی ایران را مورد حمله قرار داده اند. این عملیات راهزنانانه به بیجا نه برخورد یک کشتی آمریکا با یک مین دریائی و خسارت دیدن آن انجام گرفته است.

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت

اول ماه مه (روز کارگر)

- ☆ جنبش کارگری در سال ۶۶ صفحه ۶
- ☆ کارگران زن محرومترین بخش طبقه کارگر صفحه ۷
- ☆ چهار تراکت پیرامون قانون کار صفحات ۷ و ۵

تظاهرات ضد جنگ در خارج از کشور

جنگ بهر حال نه شهرها و حملات موشکی و بمباران های هوائی علیه مردم بی دفاع ایران و عراق، آنجا رو تنفر از رژیم خمینی به عنوان عامل اصلی، ادا می کند. ما از من زده است. طی دو ماه گذشته، هم میهنان ما در خارج از کشور ضمن اعتراضات گسترده علیه ادا می جنگ و موشک باران ها گوشه ها از این نفرت عمومی را به نمایش گذاشتند. موج تیر و پند اعتراض به رژیم خمینی و همبستگی با مردم زجر دیده ایران، تقریباً در اکثر کشورهای اروپا و آمریکا به راه افتاد. این حرکات چهارپره پلید و جنگ طلب رژیم خمینی را در سطح وسیع تر از گذشته زنده تان افشا ساخت و همبستگی بیش از پیش افکار عمومی جهانی علیه جنگ و رژیم خمینی را موجب شد.

صلح تنها با مبارزه بدست می آید

بسی از دوما و کشتار و رویرانی و وحشیگری، طولانی ترین و فاجعه بارترین دوره جنگ شهرها، متوقف شد. اما عراق اعلام کرده است که حمله به مراکز اقتصادی را "وجه" می شمارد و جمع بندی اسلامی نیز، حمله در جبهه ها را "حق خود می داند". خطر شروع مجدد جنگ شهرها، به هیچ وجه رفع نشده است. فلان نیز جناحتکاران حاکم ایران و عراق در مورد توقف این مسأله جنایت تعهد سیرند، اما چند روزی بیشتر بر سر تعهد خود باقی نماندند. آرامش و سودگی هنوز در کار نیست. مردم از خسود و از یکدیگر می پرسند در سیدی کشتار کی فسرنا خواهد رسید؟ تجربه نشان داده است که تا وقتی جنگ ادا می دهد، در خطر جنگ شهرها نیز باقی است.

در کتا ردمو ه تلخ و خونینی که بر مردم ایران و عراق گذشت، خون ریزی و حملات وسیع در جبهه های جنگ نیز شدت یافته است. مدت زمان کوتاهی از فریادهای "جنگ جنگ تا پیروزی" و تبلیغات چون آمیزد مورد شکستن بن بست جنگ و وعده "پیروزی های بزرگ" که به دنبال تسخیر حلبچه با ردیگرا و ج گرفت - نگذشته بود که نیروهای خمینی شکست سنگینی را متحمل شدند و شبه جزیره "قا" را از دست دادند. "قا" که به پایا هها هزار قربانی به دست جمهوری اسلامی افتاده بود، یک نقطه با اهمیت استراتژیک در جبهه جنوبی به شمار می رود. نیروهای خمینی با در دست داشتن "قا" و به فشار دایم علیه عراق و تهدید کویت دست می زدند. با این دادن به اشغال "قا" که به استیلا سنگینی برای جمهوری اسلامی همراه بود، شکست سختی برای رژیم آخوند ها بود. شکست نشان های از توانایی رژیم خمینی در بسیج نیرو برای ادا می جنگ و حفظ موضع تعرضی در جبهه هاست.

دهمین سالگرد انقلاب ثور

گرامی باد صفحه ۱۱

عراق گذشت، خون ریزی و حملات وسیع در جبهه های جنگ نیز شدت یافته است. مدت زمان کوتاهی از فریادهای "جنگ جنگ تا پیروزی" و تبلیغات چون آمیزد مورد شکستن بن بست جنگ و وعده "پیروزی های بزرگ" که به دنبال تسخیر حلبچه با ردیگرا و ج گرفت - نگذشته بود که نیروهای خمینی شکست سنگینی را متحمل شدند و شبه جزیره "قا" را از دست دادند. "قا" که به پایا هها هزار قربانی به دست جمهوری اسلامی افتاده بود، یک نقطه با اهمیت استراتژیک در جبهه جنوبی به شمار می رود. نیروهای خمینی با در دست داشتن "قا" و به فشار دایم علیه عراق و تهدید کویت دست می زدند. با این دادن به اشغال "قا" که به استیلا سنگینی برای جمهوری اسلامی همراه بود، شکست سختی برای رژیم آخوند ها بود. شکست نشان های از توانایی رژیم خمینی در بسیج نیرو برای ادا می جنگ و حفظ موضع تعرضی در جبهه هاست.

در این شماره

- ☆ آموزش مارکس جاودانه است صفحه ۴
- ☆ درباره تبلیغات (۵) صفحه ۸
- ☆ "شورای فرهنگی" نهادی ارتجاعی علیه زنان صفحه ۳
- ☆ روز معلم گرامی باد صفحه ۹
- ☆ ماکسیم گورکی پایه گذار رئالیسم سوسیالیستی صفحه ۱۰
- ☆ قرارداد زنو، نوید استقرار صلح در افغانستان صفحه ۱۱

گرامی باد اول ماه مه، روز همبستگی جهانی کارگران و زحمتکشان

انتخابات مجلس ... بقیه از صفحه اول

دوره گذشته مجلس نشان دادند که در مقابل دستورات اما موضع گرفته و نسبت به دولتی که مورد تأیید اما است، ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند، اما ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند، اما ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند...

امروز ایران کربلاست " ضرورت است " استفا ده به موقع از احساسات مذهبی مردم را به مبلغان نشانی داد و رشد ملی آن را چندان که از زنیافت، لذا نفعه کینه " مستضعفین پروری و " مستکبر سبزی " و " تقبیح اسلام آمریکا " را سازگردد و گفت: " مردم ایران ... به نما یندگانی رای دهتد که ... طعم تلخ قهر را چشیده باشد و در قتل و عمل مدافع اسلام یا برهنگان زمین، اسلام مستضعفین، اسلام رنج دیده گان تا ریخ، اسلام رفان میا زور است، اسلام جاک طینت با عاف و در یک کلمه مدافع اسلام با محمدی باشند و افرادی را که طرفدار اسلام میاد ری، اسلام مستکبرین، اسلام مرفهین میاد ری، اسلام محت طلبان اسلام فرصت طلبان و در یک کلمه اسلام آمریکا نشانی هستند، بر دهنده و به مردم معرفی نما یند ."

ظواهر انتخاباتی که تکیه بر جناح حزب الله در آن مشارکت دارند، آنهایی که باید بعد از انتخابات مدافعین اسلام آمریکا باشند، " طرفی شده و به مردم " معرفی شوند، گمانی جز رقیبانی انتخاباتی جریانی طرفدار دولت و خمینی نیستند و از این قرائن با منطقی باید نتیجه گرفت که خمینی برای قلع و قمع " رسالت " و همپا لگی های آن مشوریت کشیده است اما هشدار خمینی در فراز دیگری از پیام، نشان میدهد که هدف اصلی پیام انتخاباتی از قریب مردم استیرا ای کشاندن آنها به پای صندوق های رای، نه اعلام جنگ به جناح رسالت و قلع و قمع آن، و خطا به مریدان و مبلغان میگوید با بدستی خود کف خدای ناکرده، به کسی توهین نکرده و ... و دوستی و برادری که چیزی شیرینتر از آن نیست لطمه ای نخورد ...

و این بیعتی قلع و قمع که هیچ افشا و طرد و عده ده شده در پیام منبذ نشانی برای انداختن مسئولیت غارت بی سابقه مردم به گردن دیگران و قریب توده هام طرح شده است و آنچه در عمل با بدبیش برود، به خط دوستی و برادری شیرین است، مریدان خمینی با تقسیم کاری اجرای قرائن مختلف پیام را عهده دار شدند.

وزارت کشور اجرای بخش عملی پیام برادر سر عهده گرفت و هرگز استفا داد از سر کار کشیدن آنها را غیر قانونی اعلام نمود و " دفتر تحکیم وحدت " در اجرای بخش تبلیغاتی پیام، سنگ تمام گذاشت. " دفتر تحکیم " که به کمک انجمن اسلامی علمان و با پیوستن خانه کارگر، " اختلاف مستضعفین و محرومین " را سر هم بندی کرده بود، با شعار " مجلس سوم، بظهور جنگ قهر و غنا و تحقق اسلام با برهنگان " در محله " مودود بخشی از بیابانه خود، احکام انقلابی - نما یند بر اجرا کرد:

" سرما یه ری میا بست مورد تعرض شدید جریانی خطا مقرر گردید، آسوده گذاشتن نظام سرما یه ری جیانی و با بیگانه های داخلی آن به شدت ما به نگرانی است. سرما یه ری در تمام جوجه خویش و به تمام مومنان میا بست، مورد هجوم قرار گیرند و ریشه سرما یه ری را که روحیه تکلیف شناسی است و انسانها میا شد میا بست مورد تعرض قرار داد ... " (دفتر تحکیم وحدت، کمیته ۱۳۶۷/۱۵)

دفتر تحکیم حکومت فقها میخواستند عسای خمینی، " ریشه سرما یه ری را استفا و انسانها " را در تمام جوجه " و به تمام مومنان " از خاک ایران در آورند: " چه می توان گفت؟ در جمهوری تعزیه بین المللی زیر نظر سازمان ملل متحد بر عهده ده گیرد، میا زده را بین راستا و با بدبیش یکگرد.

در عین حال با یاد اچا زنده دگر رژیم جناح تکبار خمینی، احساسات به حق فدا میریالیستی مردم ایران را که از سیاست تجار و کارآنانا آمریکا به خشم آمده، به سود اهداف جناح تکبارانه و تحکیم به پای رژیم خود به کار گیرد، ادا مه جنگ، تحریکات جنگ طلبانه خمینی، و امتناع آن از بدبیش - سرش قطعنا ۵۹۸ شوری انصیت، بزرگترین بهانه دست آویزا میریالیسم آمریکا برای گسترش حضور تجار و کارآنانا خود، در خلیج فارس است. حمله رژیم به سیاست تاپوطلبی، و با زرسی و تهدید مداوم گشتی های تجاری، عوام ملی است که به کمک آن میریالیسم اقدامات خود را توجیه می کند، میا زده در راه صلح و میا زده علیه رژیم جمهوری اسلامی، یکی از مؤثرترین راه های میا زده ای میریالیسم آمریکا و خارج آن از خلیج فارس است. این حقیقت را با بدبیش به توده های مردم توضیح داد و مانع از سو استفاده رژیم از احساسات فدا میریالیستی آنان گردید و اجازت داد تا با بدبیش در تعلق متفق " فدا میریالیستی " رژیم بیفتند، نه تنها برای پایان دادن به رنج های بیشمار مردم، بلکه برای مبارزه مؤثر با بدبیش روزافزون آمریکا و گسترش برخورد های نظامی، تحت اهر چوبی با بدبیش جنگ قطع شود.

رژیم خمینی جهت فشار افکار عمومی جیانی و ناراضی مردم و همچنین به واسطه وضع دشواری که برای شادمانه مومنان با شپرها بداندجا ر شده بود، دعوت دبیرکل سازمان ملل برای انجمن گفتگو پیرامون مساله جنگ را بدبیش و متعاقب آن نما یندگان ایران و عراق به طور جداگانه به دبیرکل ملاقات کردند، اما این ملاقات ها هم به

انتخابات مجلس ... بقیه از صفحه اول

دوره گذشته مجلس نشان دادند که در مقابل دستورات اما موضع گرفته و نسبت به دولتی که مورد تأیید اما است، ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند، اما ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند، اما ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند...

انتخابات مجلس ... بقیه از صفحه اول

انتخابات مجلس ... بقیه از صفحه اول

دوره گذشته مجلس نشان دادند که در مقابل دستورات اما موضع گرفته و نسبت به دولتی که مورد تأیید اما است، ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند، اما ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند، اما ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند...

انتخابات مجلس ... بقیه از صفحه اول

انتخابات مجلس ... بقیه از صفحه اول

دوره گذشته مجلس نشان دادند که در مقابل دستورات اما موضع گرفته و نسبت به دولتی که مورد تأیید اما است، ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند، اما ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند، اما ما موضع گرفتیم و به دستورات تضعیف خطی انقلاب پرداخته اند...

انتخابات مجلس ... بقیه از صفحه اول

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

بمباران شیمیایی حلبچه و کشتار تبهکارانه مردم شهرها را محکوم می‌کنیم!

بدمباران تاج و زنبورهای رژیم خمینی به خاک عراق و اشغال شهرگردنشین حلبچه، رژیم صدام دست به جنایت مخوفی زد و بیا بمباران شیمیایی این شهر، مسابقه جنایت با رژیم خمینی را با بعدا تازهای بخشید. در اثر این بمباران وحشیانه نوسه زن و کودکیان و مردمان غیرنظامی در اثر انفجار گازی سمی به طرز فجیعی جان سپردند. این جنایت هولناک یسار آوار و مپروا لیسما آمریکا دروینتا م است.

عراق رژیم خمینی است این رژیم خمینی است که آتش بس و قطع جنگ را نمی پذیرد. اما این سیاست جنایتکارانه و توجها وزگرا نه رژیم خمینی به هیچ وجه نمی تواند بمباران و موشک باران شهرها را از جانب هر دو رژیم و هرگونه کاربرد سلاح شیمیایی به وسیله علیه غیرنظامیان را توجیه و تبرئه کند. با بدینا سنگ اعتراف علیه جنگ و علیه کشتار مردمی دفاع شهرها را رسا تر ساخت. اما چه ندهیم که عزیزانمان در تهران و بغداد، در حلبچه و میانه، در سنج و بصره قربانی چون جنگ و جنایت دور رژیم تبهکار شوند. هم پنهان ن ستم دیده گرد، کردهای تحت ستم عراق!

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با ردیگر به همه نیروهای ملی و دمکراتیک عراق که علیه رژیم جنایتکار کما بر عراق مبارزه می کنند درود می فرستد و همبستگی خود را با رژیم آن در راه صلح و دمکراسی برای عراق اعلام می کند. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از همه دولت ها، مجامع بین المللی و مردم صلح دوست جها نمیخواهد تا با اعمال فشا ریسردو رژیم ایران و عراق مانع از ادامه جنگ و تکرار جنایات جنگی شوند. ما با ردیگر از جنایان نمیخواهیم برای نجات مردم جگر سوخته ای که جنگ همه هستیها را بر باد می دهد از جها قدامی فروگزار نکنند، ما از همه دولت ها و مجامع سیاسی و اجتماعی میمرا نه میخواهیم که تمام مکانها با خود را برای اجرای هر چه سریعتر قطع نامه ۵۹۸ شورای امنیت بکار گیرند.

مرگ برجنگ و جنایتکاران جنگی زنده صلح طلبان

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۵ فروردین ۱۳۶۷

"شورای فرهنگی" نهادی ارتجاعی علیه زنان

اخیرا طرح تشکیل "شورای فرهنگی و اجتماعی زنان"، در شورای عالی انقلاب فرهنگی تصویب شد. وظیفه مقدم این "شورا" آنچنانکه در موصییه آمده عبارت است از: "ایجاد زمینه های مساعد برای رشد شخصیت و تامین حقوق زنان".

ورزشی آنها می باشد. اگر شرایط با عنوان در جمهوری اسلامی چنین است، شورا از کدام مکانات سخن میگوید؟ وظیفه دیگری این شورا، رفع موانع مشارکت زنان در فعالیتهای مختلف سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور اعلام شده است. بزرگترین مانع بر سر راه فعالیتهای اجتماعی زنان ایران، خود رژیم جمهوری اسلامی است. این رژیم دهها هزار زن شاغل را اخراج و به کنج خانه ها نشاند، تحصیل دختران را در بسیاری از رشته های فنی و مهندسی را ممنوع کرده و حق فعالیت سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را از آنان گرفتار است. در رژیم جمهوری اسلامی نیز البته زنان در فعالیتهای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی می توانند فعالانه شرکت کنند. اما در فرهنگ جمهوری اسلامی، شرکت زنان در مراسم عزاداری قربانیان جنگی، بیگاری در مراکز بسج و مساجد برای تهیه پوشاک و مواد غذایی مورد نیاز زوجه ها، فعالیت اجتماعی، کار در خانه و زندگی مفی، فعالیت اقتصادی، همکاری با مراکز رنگارنگ جمهوری اسلامی برای "ارشاد" زنان غیرحزب الهی، فعالیت فرهنگی محسوب می شود. در بنده، وظیفه رسیدگی به وضع زنان سرپرست و حمایت از آنها و بررسی وضعیت و شرایط شغلی با نوان" به عهده شورا گذاشته شده است. اکنون نه تنها زنانی که همسرانشان به مرگ طبیعی یا در اثر حادثه درگذشته اند، بلکه زنان قربانیان جنگی، همسران آنرا در زندان و زندانیان سیاسی و عادی نیز که به دست جمهوری اسلامی سرپرست شده اند، در ردیف این گروه بزرگ اجتماعی قرار گرفته اند. رسیدگی جمهوری اسلامی به وضعیت این دسته از زنان بلادیه کشور ما، تبلیغ فحشای اسلامی برای امرار معاش و حداکثر آرا به شرح جدید "خود شغالی" بوده است. زنان در سایه مقررات و قوانین کار زنان در جمهوری اسلامی، شرایط دشواری دارند. امنیت شغلی ندارند، از حقوق مساوی در برابر کارمسا و جوانان آموزش فنی برخوردار نیستند. مادران شاغل با مشکل نگهداری کودکانشان دست به گریبانند. زنانی که از شاغل دولتی برکنار شده اند، در سایه این بدبختی ها تحصیل و یا کارهایی در مراکز دولتی نمی توانند، به کارهای کوچک خصوصی روی آورده اند. دور از آرزوی مادی ناچیز و درسی حقوقی کامل، شرایط کار طاقت فرسای را تحمل می کنند. برخی از زنان بیگانه به خدمتگاری در خانه ها روی آورده اند. در شرایط بیگانه گریزانان مرد در کشور ما خیل عظیمی را تشکیل می دهند، وضعیت شغلی آنها ناسته است. زنان کارکنان کارخوبی را حواظ گرفته اند، در روز بروز با بیاد رنج می شود. شورا در جهت تغییر این وضع زنان که معلول سیاستها و تفکرات پوسید رژیم است، چه کاری می تواند کند؟ این شورا قبل از هر چیز، بیگانه گریزانان دولتی است که برای یک کاره کردن و هماهنگی اقدامات حکومتی علیه زنان بوجود آمده است. و از این رویک نهاد ضد دمکراتیک است. جمهوری اسلامی اندامهای مختلف این ارگان را به تدریج به وجود آورده و بدون قوانین متعددی در زمینه های مختلف حقوق زنان به تصویب رسانده بود. پیش از این هم سیاست ضد عدلیت با زنان در متنوع ترین اشکال، از زمان فداگری گرفته

تا ندرستیهای قانونی علیه حقوق آنان پیش می رفت؛ اما این همه یک چیز کم داشت و آن همانست که ارگان و رتبه حکومتی بوده که بتواند نقش رهبری فکری سازمانی و هماهنگ کننده در راه بطشه با این اقدامات ایفا کند. "شورا" همان نهاد موجود آوردن این نهاد برای جمهوری اسلامی از او بگذری بود. مسائل زنان و فقدان یک مرکز واحد تصمیم گیری و هماهنگی عمل در برخورد با مسائل زنان، یک ضرورت بود. جمهوری اسلامی مدت ها است که ندریشه ایجاد چنین مرکزی را در سر دارد. نخست وزیر در صحنه ای با مجله "روز" شماره ۱۵۸ (۶۴/۱۲/۱۰) گفته بود: "ما الان به طور ویژه مسائل ملی در ارتباط با زنان داریم که قابل بررسی ... به نظر می آید، جا و مرکزی که دور و ستا بل و شرفه دنبال مسائل مبتلابه اقشار مختلف زنان باشد خالی است و ظاهر یک چنین سازمانی به شدت اساس می شود". هنوز پس از گذشت نزدیک به یک دهه از وجود این کمیته مرکزی، رژیم موفق به تکمیل احکام فقهی بر همه شئون زندگی اجتماعی نشده است، زیرا تحقیق آن تا حد زیادی و بیش از همه مستلزم تکمیل این احکام بر تها می شود. زنان زندگیشان را در سایه است. زنان بی سرپرست از نظر کمیت هر روز نوسه بیشتر می شوند، دختران دانشجو و دانش آموزان کل نشده بسیاری در راه طلب تحصیل و راه طلب استادان دانشجوی دارند. زنان و خانوادها ی قربانیان جنگی با پند تحت نظارت و "موزش" مطمئن تری قرار داشته با شند با لارفتن میزان طلاق مستلزم بررسی و غشور بیشتر در عرصه مسائل خانوادگی و اجتماعی است. با لارفتن میزان اعتیاد و خودکشی، هر یک به تنهایی یک زنگ خطر چند است.

ترکیب ضد دمکراتیک "شورا" با هدف تشکیل آن همخوانی کامل دارد. ۱۳ نفر اعضای شورا که عبارتند از نمایندگان رئیس مجلس، حوزه علمیه، تم، شورای انقلاب فرهنگی و وزارتخانه های مختلف جز در جهت سیاستهای جمهوری اسلامی در حق زنان کاری ننخواهند کرد. سازمان "شورا" وابسته به شورا یعلی انقلاب فرهنگی یعنی "قوه چهارم" در جها معاد ایران است و یکی از خطوط اساسی وظیفش را "موضوعات فرهنگی مرتبط با وظایف عالی انقلاب فرهنگی" تشکیل می دهد. این امری تصادفی نیست. در تاریخ جمهوری اسلامی میانه علیه موجودیت و فعالیت زنان با "انقلاب فرهنگی" جمهوری اسلامی شروع شد. تابستان ۵۹، زمانی که نیروهای سیاسی مورد سرکوب خوین قرار گرفتند، مشیر حکومت اسلامی علیه زنان نیز بلند شد. فتوای حجاب اجباری خمینی همان سال ماردن و یک قدمه از ارتقا یافت. از آنجا که ارتقا یافتن همسالها نشین شدند. تکمیل احکام فقهی بر شئون زندگی اجتماعی در ایران مستلزم تکمیل این احکام بر شئون زندگی اجتماعی و فردی زنان نیز بوده و این خود، کار "فرهنگی" برداشته ای می گلبید. اما از آنجا که مقدرات "انقلاب فرهنگی" پیشرفت هر چه سریع تر این روند را ایجاب می کرد، نیز از این نظر که در حجاب کردن زنانی که با فرهنگ کار و فعالیت اجتماعی تربیت شده بودند، کار دشواری بود، مدت ها با پذیرفتن زور و تحمیل پیش می رفت و پیش رفت. اکنون اقدامات "تخصیص" در قالب سازمان این "شورا" بی گرفته می شود. در شرایط فعلی فعالیتها با سازمانهای دمکراتیک و مترقی زنان، با نفاذ محتوای ارتجاعی این نهاد ضرورتی مضاعف کسب می کند.

فدائیان خلق ایران (اکثریت)

آموزش مارکس جاودانه است

(بمناسبت ۱۷۰مین سالگرد تولد کارل مارکس)

۱۷۰ سال از زادروز کارل مارکس، انقلابی بزرگ، دانشمند و متفکر نو با سینه، رهبر و آموزگار کبیر طبقه کارگر جهانی می‌گذرد.

۱۴۰ سال است که ما ندیده‌کار مارکس بر پرچم‌های میلیونی انسان شریفه عدالت و سروری انسان، برداشتی سرخ میلیونها کارگر و رنج‌بهره‌ها را به ما نشان داده است. نزدیکی به یک سده و نیم است که تمام طبقات و نیروهای ارتجاعی در "آسمان" و زمین، همه‌شان که چشم به حفظ نظام موحش - استثمار روجهل و ستم دوخته‌اند، "جهاد مقدسی" را علیه مارکس و آموزش او اعلام کرده‌اند. در تاریخ بشریت، جز مارکسیسم، هیچ آموزش دیگری بلافاصله پس از پیدایش خود، چنین تجربی‌های گسترده و وسیع‌ترین دشمنان و حامیان نشان برینیا نگذشته است. نه‌فقط نون فدوسویالیستی بیسما رگ‌ها، نه‌تاریا نه‌مشیرتزارها، نه‌گورهای آدم‌سوزی قاشیم، نه‌جها آسما نی‌ها و فقها، نه‌پیکارهایی مان ای‌دولوژیک تصنام دنیای کهن، نه‌توانسته‌است از سوع دم‌آن‌سزون آموزش مارکس در اندیشه‌های توده‌ها، جلوگیری.

زیرا مارکس برخلاف بشر دوستان شریف و خیال پرداز هیجگون شارل فوریه، برای برقراری عدالت و نابدی استعمار و شکوفایی انسان، بی‌سه انسان دوستی سرما پیدادارن دل نیست، به‌دلمان ناپلئون‌ها، ملکه ویکتوریاها، امپراتوران روسیه و اشراف نیایوخت. زیرا مارکس به اخلاقی مجرد، به‌انسان دوستی خیال پرداز توده‌سویالیست‌م تعلیمی امید نیست. او نجات بشر را، نه در عرش بلکه در خود زمین و توسط خود استعمارشوندگان و با تلاشی عظیم و پیروشی نیوغ آسدرتا متسعد مادی و معنوی انسان، در تمام عرصه‌های علم، از فلسفه تا سنان گرفته تا کشفیات داروین، از تاریخ جوامع کهن تا ریاضیات، قوانین تکامل جامعه به‌انسان تا شناخت و نشان داد که ایامه آرماسی نه در جزی پدودر دست خالی نه‌در "شهر آفتاب" افسانه‌ای و نه در دیده‌فلسفه "حکما" و "سلاطین فرمسه" بلکه در همین گوی و شهر به دست خود انسان‌های نسیوه سربخوار هکشدید.

مارکس باکاشی عظیم در تاریخ و پودو تک تسلک سولهای جامعه سرما به‌دار، قوانین اساسی حاکم بر آن را کشف کرد و آنگاه که سرما به‌دار در دوران شب و بقدرت روز افزون بود و لاف جاودانگی می‌زد، او با دقتی شگرف، محکومیت و انقراض و فروپاشی آن را نشان داد و آنگاه که طبقه کارگر، بیرونی اندک شاری بود، او در سیمای این طبقه، برخلاف سویالیست‌های تخیلی، نه‌افراد تیره‌روزها بیان ترجم، بلکه نیروی پیشتا زجا مسه‌اشی ایتنده را نشان داد. از این رو پدیده‌کتنی نکته مسه‌در آموزش مارکس را توافیح چگونگی نقش تاریخی - جهان پرولتاریا به‌مثابه‌افردیگارا جامعه‌سویالیستی می‌دانست.

مارکس دانشمندی بزرگ بود. ولی دردانش مارکس، جدایی میان تئوری و پرا تیک بروداست. در آموزش او، تئوری مجرد از پرا تیک، تئوروی سنیای از آزمون و محک عمل، با قدم‌فهوم است، علم بیرونی انقلابی است که در خدمت پرا تیک دگرگونی و انقلاب عمل می‌کند. دانش او نه‌فقط برای تفسیر جهان، بلکه برای تغییر آن است. فلسفه او، دانشی او انقلابی است. از این نظر برخلاف "مارکس‌نسانان" پرورهای "مارکس دانشمند" و تمام تارویسود آن، "مارکس انقلابی" در همه تپیده‌اند. بسدهون شرکت مارکس در پرا تیک مبارزه طبقه‌ای، مارکسی دانشمندی وجود نمی‌داشت. سخن گفتن از مارکسی دانشمندی، مجرد از مارکس انقلابی، بروداست. او که رسالت فلسفه‌ان تغییر جهان می‌دانست، در دوران خویش به‌مثابه‌رهبر جنبش بین‌المللی طبقه کارگر، هستی خویش را وقف این مبارزه کرد و وسیع و فشار فقر و تنگدستی و ... او را از این امر مقدس تاریخی باز نداشت. رسالت واقعی مارکس عبارت بود از کمک رایانیدن سرنگونی سرما به‌داری و نپناهدهای دولتی که به وجود آمده‌است. همکاری از در زمینه‌های بیرونی رایای معاصر، که خود پیش از هر کسی دیگری در مورد وضع خاص، در مورد دنیا زها یسیش و شرایط رها نی‌اش، آگاه‌ها داده بود. مبارزه و خوی و بود. او با شیفتگی، روشن بینی و پیروزی‌مندی زرمیده‌که به ندرت می‌توان سراغ داشت.

چنین است تصویریک که انگلس در خطابه‌سردبر آرمکا ه او در توضیح این جنبه از کارا کتر مارکس بیان کرد.
آموزش مارکس، انگلس، آیه‌های آسمانی نوردیده‌هوا یک جا و به یک با رها نزل کردند، ویسا عبادت‌نویس "اشراقی" "حادث" شوند. آموزش مارکس شمرنگرشی علمی، تفحص سخت گوشانه، زاده بروگلسرد دیا لکتیکی به پدیده‌های طبیعت، جامعه و تفکسر، و محصول شرکت شخص در پرا تیک انقلابی بود. او با هر شکست و پیروزی انقلابات و با هر آوج و فرود جنبش، با هر تحولی در جامعه و در مبارزه طبقه‌ای، با هر کشف علمی و هر دستاورد و دانش بشر، آموزش خویش را غنی‌تر می‌ساخت و بر براهی آن می‌افزود. او روند جنبش‌های انقلابی را در همه کشورها، به دقت تعقیب می‌کرد و تا

آخر عمر چنین بود. چنین دقتی - که ضرورت علم - است - مواد ضروری برای تکامل تئوری را فراهم می‌ساخت. او تجربه انقلابات پرورهای اروپا (۱۸۴۹-۱۸۴۸) تکامل تئوری مبارزه طبقه‌ای و انقلاب سویالیستی، ایده یکتا توری پرولتاریا، تا کتیک پرولتاریا در انقلاب پرورهای ضرورت انجام دیرولتاریا با دهقانان را استخراج نمود. (مبارزه طبقه‌ای در فرانسه ۱۸۵۰-۱۸۴۸) رخ داده‌ای در ربه‌نیا پارت ضرورت دگرگدن دستک دولتی پرورهای رابه‌آومخت (۱۸ پرولتوئینی پارت) در آخر خود به نام "جنگ داخلی در فرانسه" تعاریف کمون را و زما نی‌ها جمع بندی کرد. در "نقد برنامه‌گوتا" تئوری کمون‌سیمی علمی را تکامل داد و ...

برای مارکس و هم‌زمان مدارش، انگلس، عینیت منبع آموزش بود، مارکس با کتیک‌های شگفتی پیشرفت علوم را تعقیب می‌کرد. زیرا "علم برای مارکس نیروی بود که تاریخ را پیش می‌برد. نیروی انقلابی بود. هر چند در هنگام دست‌یابی به کتفی دریکی از علوم ثئوریک - ولو با امکان محدود، تطبیق علمی - ضروری است به‌ادست می‌داد، ولی سرور او زما نی‌ها کل می‌بود که حرف بر سر کتفی بسا بیامدا انقلابی بلافاصله برای صنعت، یا به‌طور عموم برای اکتشاف تاریخی می‌بود. به‌دین تعریب مارکس با توجه خاصی به پیشرفت‌ها و کشفیات در عرصه‌های تاریخ در این اواخر به کارهای مارسل دپرز می‌نگریست. زیرا که مارکس پیش از هر چیز یک انقلابی بود." (از خطابه انگلس بر سر آرمکا ه مارکس).

مارکس هرگز به پیشرفت‌های خود بسنده نمی‌کرد. برای آنان از ارزش مطلق قائل نبود و آنان را تکامل‌پذیر نمی‌دانست. انگلس در "آنتی‌دوریینگ" تصریح کرد که: "تا چه حد تا ریخ جهان هنوز جوان است و تا چه اندازه خنده‌وار است که ما برای پیش‌های کنونی خویش ارزش مطلق قائل شویم." مارکس و انگلس مطلق کردن پیش‌های خویش را به‌اساتزها می‌گرفتند. زیرا آنان بسا وقوف بر دیا لکتیک تغییر، تحول و تکامل عینی درون خود پدیده‌ها، با اسلوب برخورد دیا لکتیکی به جهان واقفا موجود، نیک می‌دانستند که اگرچه تعاریف برای علم رزمشده‌اند، ولی "تنها تعریف واقعی (یک پدیده) تکامل و گسترش خود را پدیده‌است" مارکس با توجه به نسیت تاریخی تعاریف و مقولات، در "نومانه" تصریح کرد که: "مجردترین تعاریف، اگر تارای مورد دیک برقی دقتی و تفصیلی قرار دهیم، همیشه دارای یک یا به‌مشخصی تاریخی است و این طبیعتی است زیرا تعاریف درون این تاریخ معین استخراج شده‌اند".

چیزیت، پیش‌ها تریالیستی دیا لکتیکی، انکا به‌علم و آشتی نابدیری با هرگونه تعیناتی از تئوری علمی، او بزبانه‌های بارزینش کل مارکس است. از دیدگاه او، علم در ذات خویش انقلابی است. در پیش‌ها مارکس "اشیاء" روابط متقابل آنها به‌مثابه‌مورا بسده کرد نمی‌شوند، بلکه مسه متغیرند. لذا با زتاب دماغی آنها، یعنی مقاهیم (یا مقولات) نیت‌ساز تصور و تغییرند. در چنین شرایطی، آنها در یک سلسله تعاریف جامد جسای نمی‌گیرند، بلکه بر حسب روند تاریخی یا منطقی شکل گیری خود، تحول و گسترش می‌یابند.

پیش‌ها مارکستی یا چنین اسلوب نگاشتی نه تنها در عرصه علم جامعه‌شناسی، بلکه حتی در عرصه علوم طبیعی نیز اها کنایه‌های تفکر و پرا تیک انسان است. پیش‌ها مارکستی به‌مثابه‌علم یا به‌سیاسی تحول و تکامل خود پدیده‌ها، تکامل می‌یابد. علم در آن صورت علم‌پاتی خواهد ممانده‌انکا کل باز ناستدو مارکسیسم نیز به‌مثابه‌یک علم - عظیم تغییر جهان و جهان بینی طبقه کارگر - در صورتی به‌مثابه‌مشعل راهنمای طبقه پیش‌رو بشریت عمل خواهد کرد که همواره چنین انعطاف و تکامل را طی کند. مارکسیسم برخلاف آموزش‌های دیکر تا ریخ بشر از آن روحا و دناست که هرگز اها بر نرسد و تکامل خویش نیستد است. از این نظر تا ریخ که به‌تینا گذاران جهان بینی طبقه کارگر، همواره تا کید می‌گردد، نسد که: از همان هنگام که سویالیسم به علم بدل شده است، بسا به‌آان همچون علم پرورخودش، او ز تبدیل شدن آن به‌آیات الهی اجتناب شود. پس، آن است فرمان دیا لکتیک مارکسیالیستی که طبقه کارگر بشریت پیش‌رو، جز در روشنی آن در میدان‌های نبرد، قادی به پیکار نیست.

مارکس و انگلس ولین همواره و در هر فرصت، جنبش کمونستی را از مطلق تاریخی بر جدا شتده مخالف سرخت تبدیل تئوروی حاشی تکامل - عمل یا فته‌ترین آنان به "دوری ناما بدی" و "لغت - معنی جامد" بودند. مارکس در برخورد بسا "مارکستی‌های فرانسوی سالهای ۷۰ قرن نوزدهم - که اندیشه‌های او را به‌آیات آسمانی بسندل می‌کردند - با صراحت نوشت: "تنها چیزی که من در مورد خود می‌دانم این است که من مارکسیست نیستم" (انگلس) بنا به‌ها، دربارها تریالیسم تاریخی). هر چند که دشمنان مارکسیسم، این عبارت را به‌عنوان

با زکشت مارکس از آموزش خویش و نمود می‌زند، ولی واقعیت آن است که مارکس در این جلسه، دشمنی خود را با آن "مارکسیسم" بیبا می‌کنند که بر تکامل نابدیری و جزم‌گرایی استوار است. زیرا از نظر بنیان گذاران مارکسیسم - لنیتنیسم، عدم درک جهان تغییر یابنده، عدم توجه به شرایط مشخص، عدم برخورد دیا لکتیکی به پدیده‌ها و تبدیل تئوری علمی به‌ایات آسمانی، در تفتا علمیت و به‌دیگر سخن در تفتا دنا فح طبقه کارگر قرار دارد. زیرا تضعیف اسلوب دیا لکتیکی، درغلطیدن بسینه مارکسیسم‌ها می‌ان، دهنگرهای بیرونی بیسیسم و دکما تیسیم ریویزیونیسم است. و سراجا مبه جداولی تئوری و پرا تیک و عدم درک انقلاب می‌انجامد. لنین در آخر خود به نام "دربارها بر شش‌های خصوصیات تکامل تاریخی مارکسیسم" نوشت:

"انگلس در خصوص خود دوست شهرش چنین می‌گوید: آموزش ما دکنیت و رهنمای عمل است. در این اصل کلاسیک، آن جنبه‌ای از مارکسیسم که کسرا از نظر دور می‌دارند ... خاطر نشان گردیده است و ما از نظر دور می‌دارن آن، مارکسیسم را به یک چیز یک طرفی، زشت و بیروح تبدیل می‌کنیم، عصاره حیاتی آن را می‌کشیم، رکن اساسی تئوریک آن را یعنی دیا لکتیک یا آموزش مربوط به تکامل تاریخی جامعه اطراف و مشاغل ارتفا در منهدم می‌سازیم، ارتباط آن را با واقعیت علمی زمانه که در هر جزی تاریخی تغییر پذیرند، قطع می‌نمائیم".

تتمام تا رکلایک‌ها مارکسیسم، سرشار از چنین محتوایی است و چنین است جوهره‌های تاریخ و مرگ نابدیری آموزش مارکس، انگلس ولینین. بی‌جهت نیست که اندیشه‌پردازان بسوروزای و خرده‌بوروزای مدا در تالانده‌ها با اشکال مختلف علمیت، روح خلاق و بیوا، به‌هم‌پیوستگی ارگانیک و بیکار رجوشی آموزش مارکس را تخطئه کنند. از این رو است که مارکس در دوران حیات خود - آن چنان که انگلس می‌گفت - مورد به‌تانت‌ترین فرد عرصه خود بود و بس از دگدگشتن تا کنون، اندیشه‌پردازان سرما به جهل و درسیما یسلیوف، اقتصاددان، معماره شناس، سیاستمدار، کشیش و آخوند، برای همه شکستن این بیوا نی‌ها مشیرا ز نیا مبرکشیده‌اند، بنا بر این روح انقلابی بیگار کتید. نیک نیز جمله هر یک از آنها، متوجه دیا لکتیک آموزش مارکس است. در سالی است که برخی از این اندیشمندان، مارکسیسم را تمام‌دقی، تحمیلی، کینه‌شده، متعلق بسه اروپای نیمه‌دورترین نوزده جلوه می‌دهند که گویا دگر در شرایط متحول کنونی فاقد موقعیت است، برخی دیگر "کتف" "نفا و تها و خفتن شناختی میان آثار مارکس "جان" و مارکس "بیر"، میان آثار مارکس و انگلس، میان آن دولینوم و میان آثار خود لنین، فریاد بر می‌آورند که مارکسیسم لنیتنیسم نیک است، بلکه مجموعه مغشوش فرضیات است. در تفتا فح با علم و منطق بشری، تلاش همه دشمنان سوند خود و وفا فل تهای مارکسیسم در جمله بسه علمیت است، برخی برای تبدیل آن به‌دگم‌های آسمانی می‌کشند و برخی برای آن چنان "نواوری و تکاملی" سیکامک می‌دهند که در آن رابطه نواوری و نساوم، رابطه تنگ با نساوم، گسته‌شود. این بخش از ایدئولوگ‌های پروروزائی خرده‌بوروزا شسی خواهان تغییر و تحریب بنیادهای علمی آورده‌شده آموزش مارکس، خواهان نواوری در آن بدون اشکا به پیش‌ها مارکستی‌اند. هدف و مشره هر دو طرف یک چیز است: تهای ساختن مارکسیسم از علمیت، بیکار حوش و بیوا نی‌ها و ولع سلاطین کارگر میدان‌های نبرد، آنها هر چند مارکسیسم را به‌مثابه‌فد علم و بیوا نی‌ها معرفی می‌کنند، ولی خود نیک می‌دانند که با این با به‌هدف ضربت پلی قرار داده‌اند آنها می‌دانند که هم در صورت برخورد دگماتیک به آموزش مارکس و انگلس ولینین و کار پر دقایی آن در شرایط مشخص و هم در صورت "تکامل" آن بدون اشکا به‌دیا لکتیک مارکسیستی و جزینت، این آموزش به آموزش بی‌آری بدل خواهد شد.

سیمای جهان اکنون با آنچه گسه در دوران مارکس بود، متفاوت است، با انقلاب کبیر سویالیستی کتیر، جهان وارد دوران نویسی از تکامل تاریخی خود گشته است. یک سده و نیم اخیر تاریخ بشر نشان داده است که جهان در آن مستثنی پیش‌برود که مارکس پیش‌بینی می‌کرد، پرا تیک به‌مثابه‌محک اندیشه و میدان آزمون، صحت احکام بنیادین مارکس بیرا مون سم تا ریخی حرکت سرما به‌داری و ساحتان سویالیسم را نشان داده است. پرا تیک انقلابی در آن پس از مارکس، نشان داده است که سراجا نچسسا و هر گسا ه که کمونست‌ها به‌این آموزش وفا دار مانتند، بیوا و خلاق به‌کار رش گرفتند، مبارزه در راه انهدا مکنهن و ساحتان نوبه‌گامی بی اینجا میدوهر آنجا کسه پای بندی به‌آن سنت گردید، هر آنجا که در شناخت دیا لکتیکی جهان، جامعه، طبقات، عین و ذمه‌ش قورشود، ناکامی به‌بار آورد.

کارنامه ۱۵۰ ساله مارکسیسم نشان داد که آموزش مارکس سررا از قدرت حیات ویا لکتیکی، سررا را جاذبه و نیروی است. نیروی که از علمیت و حقاقت آن سرچشمه می‌گیرد.

چنین است تصویریک که انگلس در خطابه‌سردبر آرمکا ه او در توضیح این جنبه از کارا کتر مارکس بیان کرد.
آموزش مارکس، انگلس، آیه‌های آسمانی نوردیده‌هوا یک جا و به یک با رها نزل کردند، ویسا عبادت‌نویس "اشراقی" "حادث" شوند. آموزش مارکس شمرنگرشی علمی، تفحص سخت گوشانه، زاده بروگلسرد دیا لکتیکی به پدیده‌های طبیعت، جامعه و تفکسر، و محصول شرکت شخص در پرا تیک انقلابی بود. او با هر شکست و پیروزی انقلابات و با هر آوج و فرود جنبش، با هر تحولی در جامعه و در مبارزه طبقه‌ای، با هر کشف علمی و هر دستاورد دانش بشر، آموزش خویش را غنی‌تر می‌ساخت و بر براهی آن می‌افزود. او روند جنبش‌های انقلابی را در همه کشورها، به دقت تعقیب می‌کرد و تا

اعلامیه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بمناسبت

اول ماه مه (روز کارگر)

منحل گردنا راه تحمیل شکل های فرمایشی اش هوار شود. علیه مداخلة دولت و کارفرمایان در انتخاب نمایندگان کارگری، مبارزه کنید. قانون کار باید حق شما کارگران را در تشکیل آزاده نه شکل های منفی به رسمیت بشناسد.

قانون کار را سلامی ضمن محروم کردن شما از حق اعتصاب، دست دولت را در سرکوب اعتصاب کارگری بازگذاشته و آن را قانونیت بخشیده است. قانون کار باید حق اعتصاب را به رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و عوامل کارفرما حق انتقال مجبوری از اعتصاب بیون راه هیچ صورت اعماز تنبیه، جریمه، اخراج، بازداشت و غیره ندارند. برای تامین حق اعتصاب مبارزه کنید.

رژیم خمینی در قانون کار سلامی خسود، انجمن های اسلامی را نیز به مثابه شکل کارگری معرفی نموده و سعی دارد این ارگان پلیسوسی و اطلاعاتی خود را به توده کارگران تحمیل کند. گنجاندن انجمن های اسلامی در فصل مربوط به شکل های کارگری، اهانته آشکاره کارگران است. برای انحلال این لانه های جاسوسی وابستگزار سرکوب مبارزه کنید.

کارگران پیشرو و آگاه! بسیج توده های کارگران حول مطالبات اساسی و مبرم صنفی و سیاسی، از مهم ترین وظایف شما است. هسته های مخفی کارگری راه ویژه درواحه های مهم صنعتی سازمان دهد و امکانها را برای غلبه موجود استقا ده کنید. موثرترین حلقه بسیج توده های کارگران علیه قانون کار سلامی، افشا ماه ۲۷ آن است. همچنین، افشای کلیه با یمال شدن حق ایجاب شکل صنفی مستقل در قانون کار سلامی و مبارزه برای برگزاری انتخابات آزادانه برای ایجاد شکل های صنفی مستقل، یکی از مهم ترین حلقه ها در بسیج توده های کارگران علیه قانون کار سلامی و است.

کارگران مبارز و آگاه! رژیم خودکامه ولایت فقیه با سرمایه دار سرمایه داری و حامی کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان است. سرمایه داری سرچشمه استثمار و رستم، فئودالیت، گران و بیگاری، جنگ و بیخا نما نسی است. جشن اول ماه مه، بیانگر عزیمت مبارزه اراده ستوار روزم پیگیرتان تا نابودی نظام سرمایه داری و برقراری سوسیالیسم در بین ما است. جشن اول ماه مه را هرچه پرشورتر و بیگزارکنید، از مبارزات دیگر طبقات و اقشار خلق علیه رژیم جمهوری اسلامی و مبارزات بسیج توده های کارگری، مبارزه در راه صلح، آزادی و سرتنگونی رژیم ولایت فقیه راه دست بگیرید.

برای تحکیم همبستگی طبقاتی خود، برای تامین اتحاد رزمنده با دیگر نیروها و اقشار طبقه، برای گسترش پیوندهای اشتراک سوسیالیستی طبقه کارگر، برای سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی و تحقق آزادی های انقلابی و تاریخی طبقه کارگر، به صفوف سازمان سیاسی خود، سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) بپیوندید. پیروزی از آن کارگران و زحمتکشان است.

گراسی با داول ماه مه (روز کارگر) زنده باد طبقه کارگر ایران - زنده باد سوسیالیسم

پیروزی باد مبارزه خلق در راه سرتنگونی رژیم جمهوری اسلامی

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

۱ اردیبهشت ۱۳۶۷

پشتیبانی کنید. کارگران و زحمتکشان! امسال نیز جشن اول ماه مه در میهن ما در شرایط خاصه با راه جنگ خانما نوز ایران و عراق برگزار می شود. در شرایطی که رژیم تبهکار خمینی و صدام با بمباران و موشکباران شهرها، به ما بقتلگشتار مردمی دفاع ایران و عراق، با عباد بهای بدهای داده اند.

امتناع رژیم خمینی از پذیرش آتش بس و اجرای قطعنامه ۵۹۸ سازمان ملل، مهم ترین عامل ادامه این جنگ جنایتکارانه و پیرانگرا است. بهار اصلی این جنگ بردوش شما کارگران و زحمتکشان است. رژیم خمینی فرزندان شما را هزار باره با کم مریک می فرستد. دسترنج شما را غارت می کند. بیگاری، گران و آوارگی را نصیب شما زحمتکشان می کند. جنگ هرچه بیشتر ادامه یابد، مواضع امپریالیست ها و انحصارات غارتگر بین المللی بیشتر تقویت می شود و فلاکت بیشتر نصیب شما زحمتکشان می گردد. برای قطع بیدرتک جنگ، برای برقراری بی قید و شرط آتش بس و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت مبارزه کنید. به "جها دجانی و مالی" تن ندهید. دامنه اعتراض علیه جنگ و جنگ افروزان را گسترش دهید. مبارزه در راه صلح را تشدید کنید.

رژیم خمینی با بهای گسترش جنایات جنگی اش، آزادی های سیاسی و حقوق دموکراتیک مردم را دامن زده و با یمال می کند. ترور و اختناق، شکنجه و اعدا زندانیان، بیگاری و سرکوب سازمان های سیاسی، انحلال نهادهای شوراهای سرکوب و اعتصاب بهای کارگری، سانسور مطبوعات و تفتیش عقاید، تبعیض، اجحاف و تمحیلات ارتجاعی علیه زنان و اقلیت های ملی و مذهبی، سرکوب و گشتار خلق کرده و تشدید ستم علیه دیگر خلقها، سیاست های زکارتنا به سنگین این رژیم از آذینش مردم ستیز است. رژیم خمینی تجلی استبداد مطلقه فقیهه است. شما کارگران و زحمتکشان نه تنها قربانیان اصلی استبداد فقیه، بلکه رزمندگان صف مقدم بیگاری علیه ولایت فقیه نیز هستید. رژیم خودکامه خمینی، بیش از هر چیز و طغیان شما بیسم دارد.

علیه فحان و سرکوب، علیه رژیم خودکامه ولایت فقیه، به خاطر آزادی مبارزه کنید. برای آزادی زندانیان سیاسی مبارزه کنید. برای آزادی بیان، آزادی مطبوعات، آزادی اجتماعات و دیگر آزادی های فردی و اجتماعی، برای حق اعتصاب، حق ایجاد دویا عنویت در شکل های سیاسی و دموکراتیک و تامین آزادی های سیاسی برای همه مردم، متحد و پیگیر مبارزه کنید. صلح و دموکراسی عاجزترین نیاز رژیم ترین خواست شما است. کارگران مبارز!

رژیم خمینی در قانون کار سلامی خسود، اساسی ترین حقوق صنفی و سیاسی تان را با یمال کرده است. قانون کار سلامی رژیم، حق کاررو امنیت شغلی کارگران را اساسا نقض کرده و دست کارفرما را در اخراج کارگر، کملا بازگذاشته است. ماه ۲۷ قانون کار سلامی به مراتب ارتجاعی تر از ماه ۳۳ قانون کار زمان شاه است. همچنان که برای لغو ماه ۲۷ قانون کار شاه به با خاستید، برای لغو این ماه دوپایان دادن به اخراج های خودسرا نه نیز مشکل شوید و مبارزه کنید. رژیم جمهوری اسلامی همچنین، شما را از حق ایجاد شکل های صنفی مستقل تان محروم کرده است. رژیم، سندیکاها و شوراهای تان را سرکوب و

کارگران مبارز! کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)، با پرشورترین درودها، اول ماه مه - ۱۱ اردیبهشت روز همبستگی بین المللی کارگران و زحمتکشان جهان را به شما رزمندگان بیگیرا ه استقلال، آزادی، صلح و سوسیالیسم شادباش می گوید. عید همبستگی رنجبران جهان به همه کسانیکه نیروی کار را ندیده خود را برای ساختن فردائی روشن و سعادت برای بشریت به کار میگیرند، مبارک باد!

کارگران و زحمتکشان! امسال اول ماه مه در جهان، در شرایطی برگزار می شود که در بریتیکا رجمدانه همه نیروهای صلح دوست جهان، بویژه کشورهای سوسیالیستی، برای نخستین بار روزنه ای امیدبخش در مقابل بشریت برای از یستن درجه ای عاری از صلح و سوسیالیسم پیدا شده است. در عین حال، طرح تبهکارانه ای نظری کردن فضا و تدارک جنگ جهانی توسط امپریالیسم آمریکا، متوقف نشده و صلح جهانی همچنان در معرض تهدید قرار دارد. کارگران و زحمتکشان جهان که حفظ صلح جهانی را رسالت مبرم خود می دانند، همراه دیگر نیروهای صلح دوست در مبارزه برای کسب پیروزی های بزرگ و آزادی بسن بردن خطر جنگ هسته ای و بیبریزی جهانی بیاری از سلاح های هسته ای بیگار خود را تداوم می دهند.

در کشورهای سوسیالیستی که کامیست از آن کارگران و زحمتکشان است، جشن اول ماه مه همچنین جلوه گاه دستاورد های نوین درکشلف و به کارگزاران امکانها و ظرفیت های واقعی سوسیالیسم است. روند نوسازی در یک رشتبه از کشورهای سوسیالیستی به ویژه در اتحاد شوروی، که در بر توشعیمیق و شکوفائی دموکراسی سوسیالیستی و رفرفهای رادیکال اقتصاد جریا ن دارد، امده های بیشتر و از تری رادردل زحمتکشان جهان و همه نیروهای ترقیخواه را انگیزه است. این روندها نه تنها همپاری و همبستگی برادرانه کشورهای سوسیالیستی را تحکیم می کند، بلکه راهگشای بهره گیری وسیع تر از امکانها ت همگاری با دیگر کشورهای است. اول ماه مه در جهان سوسیالیسم، تجلی گسترده ترین عرصه های همبستگی است؛ همبستگی سوسیالیستی، همگاری، همپاری و تلاش مشترک در جهت اهداف و نیاهای مبرم عموم بشری.

در جهان سرمایه داری، درفش اول ماه مه، به نشانه همبستگی کارگران و زحمتکشان در بریتیکار برای صلح، دموکراسی، عدالت اجتماعی و سوسیالیسم، علیه سرمایه داری و انحصارات، استثمار و فساد، جنگ و تبعیض، به هزار باره می آید و صفوف رزمجویانه توده های میلیونی کارگران و زحمتکشان تحمیت رهبری اتحادیه های کارگری و احزاب کمونیست زیر این پرچم فشرده ترمی شود.

کارگران و زحمتکشان ایران! اول ماه مه روز تحکیم میثاق همبستگی شما با کارگران و زحمتکشان اسرارجهان است. شما در مبارزه به خاطر صلح و ایجاد جهان عاری از سولاج هسته ای، در مبارزه علیه سلطه جوشی و جهان نخبواری امپریالیستی و تمامی مظاهر نوا ستم خاری، صهیونیسم، نژادپرستی و تبعیض ستم ملی و اجتماعی با ورو هم سنگر کارگران و زحمتکشان جها نید. در این پیگارشرا فتمندانه هرچه مصمم تر و موثرتر مبارزت کنید. از جنبشهای رهائی بخش و نهاد امپریالیستی خلقها، به ویژه خلقهای فلسطین و آفریقای جنوبی و از مبارزات عادلانه افغانستان انقلابی و نیکار آگوته، علیه دسایس امپریالیسم و ارتجاع

کارگران مبارز! حق اعتصاب، یکی از حقوق اساسی کارگران است. کارگران حق دارند در صورت پایمال شدن حقوق صنفی شان از جانب کارفرما، با توسل به اعتصاب از حقوق خود دفاع کنند. در قانون کار سلامی، به جای حق اعتصاب کارگران، "حق" دولت در سرکوب اعتصاب به رسمیت شناخته شده است. مواد ۱۷، ۱۸، ۱۹ و ۱۴۷ قانون کار سلامی، دستور رژیم را در سلب امنیت قضائی کارگران و نقض حقوق دموکراتیک و آزادی های سندیکا، کملا با ساز گذاشته است. قانون کار باید حق اعتصاب را به رسمیت بشناسد و تصریح کند که دولت و عوامل کارفرما حق انتقال مجبوری از اعتصاب بیون به هیچ صورت اعماز تنبیه، جریمه، اخراج، بازداشت و غیره ندارند و نتوانند حقوق کارگران را به رسمیت درصدا اعتصاب نیز با دیده آشا برداخت گردد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران مبارز و شریف! تنها سلاح شما در برابر سرمایه داران، اتحاد شماست. رژیم جمهوری اسلامی در قانون کار خود بر اساس بند (ب) تبصره ماه ۱۳۳، بند (ب) تبصره ماه ۱۳۴، تبصره ماه ۱۳۶ و ماه ۱۳۸ حق شما را در ایجاد شکل صنفی مستقل پایمال کرده است. رژیم، سندیکاها و شوراهای شما را سرکوب کرده تا راه تحمیل شکل های فرمایشی اش هوار شود. تدوین "آیین نامه انتخابات" و تهیه و تصویب اساسنامه تشکیلات کارگری، حق خودکار کارگران است نه وزارت کار و ارگان های دولتی دیگر. علیه مداخلة دولت و کارفرمایان در انتخاب نمایندگان و در ادامه شکل های صنفی کارگری، مبارزه کنید. قانون کار باید حق برخورداری کارگران از شکل صنفی مستقل را به رسمیت بشناسد. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

جنبش کارگری در سال ۶۶

معطلات گریبا نیکر جنبش کارگری، که در سال ۶۵ با اخراجی‌ها و وسیع‌توده‌ای تشدید شد، در سال ۶۶ ابعاد گسترده‌تری یافت.

تداوم جنگ و تشدید بحران اقتصادی، گرانسی بیجا و کم‌نکندگی در کنار ریکاری وسیع به طیف گسترده‌تری از کارکنان رسید.

مسئله اشتغال، امنیت شغلی، بیمه بیکاری، طبقه بندی و افزایش دستمزد، افزایش قیمت‌ها و تورم، همه اینها در باطن اعتراضات کارکنان در سال ۶۶ نمودار شده بود.

رژیم کارگرسنجی‌های گسترده‌ای را علیه کارکنان در پی گرفت. با این اقدامات، سیاست‌های سنی در کنترل و انحراف جنبش کارگری کردند.

رژیم با طرح و تدوین لوایح و قوانین مختلف سیاست‌های فذکارگری خود را اعمال کرد. در برخی موارد، مشخصات رفاهی کارکنان را افزایش داد تا با تسکین فزاینده کار و زندگی، رژیم را در برابر جنبش کارگری تثبیت کند. این اقدامات، با ابعاد گسترده‌تری در سال ۶۶ و در پی تحولات اقتصادی، تشدید شد.

رژیم سیاست‌های نوین اقتصادی را که از سال ۶۴ در پی گرفته بود، همچنان ادامه داد. اکثر صنایع با دورنگینی که در پی این طرح خدمت جنگ درآمده بودند همچنان به تولید تسلیحات و جنگی‌ها ادامه دادند و تعداد دیگری نیز به تدریج به خدمات جنگی یا وسیع‌تر، کارکنان این گونه واحدهای تولیدی را با تسلیحات و تجهیزات نظامی و واحدهای تولیدی و تعمیراتی کارکنان را بکارگرفته بودند. در نهایت به مف‌طویل کارکنان بکارگرفته شدند.

تسلیحات و واحدهای تولیدی وسیع، عدم تناسب بین دستمزد کارکنان و هزینه زندگی، تداوم جنگ به ویژه جنگ شهرها و بی‌مباران واحدهای صنایع نظامی، نظیر صنایع نفت و پتروشیمی و صنایع پلیمری، کمبودهای اساسی در بخش‌های تولیدی کارگری در این دوره به طوری آشکار شد. فشار زندگی و فقدان پیشرفت در جاده معیشت کارکنان، به خرابی و بی‌نظمی در بخش‌های تولیدی و خدماتی اعتراض جمعی و یک پارچه صنعتی - سیاسی را تا حدی محدود کرد. اخراج‌های وسیع و ابعاد گسترده اشتغال در اختیار کردن شغل دوم به خاطر گرانسی و بی‌توانی در پرداخت هزینه‌های زندگی، تشدید شد. این اقدامات، به عتبات کارگری در نیمه دوم سال ۶۶ منتهی شد. رژیم، به مقابله با جنبش کارگری در سال ۶۶ و ۶۵، اقدامات گسترده‌ای در پیش گرفت. در جنبش کارگری و اقتصادی و رفاهی، اعتراضات گسترده‌ای در جریان بود.

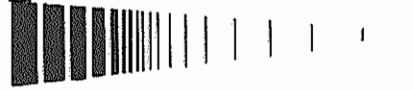
طبقه کارگر تلاش کرد از رهبران کارکنان برای اعتراض به وضعیت کارگزاران استفاده کند. به خصوص در نیمه اول سال ۶۶ اعتراضات برای دریافت حقوق بهره‌وری، افزایش دستمزد، تعطیلی روز پنجشنبه، علیه اعزام به جبهه، علیه افزایش قیمت‌ها و تورم، علیه بی‌نظمی در بخش‌های خدماتی و صنایع تولیدی، تشدید شد. در این اعتراضات، کارکنان به عنوان یک واحد، با هم همکاری کردند. این اعتراضات، به عتبات کارگری در سال ۶۶ منتهی شد.

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

جنگ

آدامه جنگ و پیشبرد "سیاست نوین اقتصادی"، از طرف رژیم بخش اعظم واحدهای تولیدی را همچنان در خدمت جنگ نگه داشت. جنگ عامل اصلی ایجاد وضعیت بحران بود و وسیله‌ای برای تسکین بحران بود. رژیم در سال ۶۶ راه‌های مختلف را برای تسکین بحران در نظر گرفت. در این زمینه، رژیم با افزایش قیمت‌ها، کاهش دستمزد، تعطیلی روز پنجشنبه، و افزایش ساعت کار، به منظور افزایش تولید، اقدامات گسترده‌ای انجام داد.

این سیاست‌ها، با افزایش قیمت‌ها و تورم، به عتبات کارگری در سال ۶۶ منتهی شد. رژیم، به مقابله با جنبش کارگری در سال ۶۶ و ۶۵، اقدامات گسترده‌ای در پیش گرفت. در جنبش کارگری و اقتصادی و رفاهی، اعتراضات گسترده‌ای در جریان بود.



جبهه‌ها با احساسیت بیشتری ادامه یافت. قریه کشی مرگ برای اخراج جباری کارکنان "دا و طلب" به جبهه‌ها ادامه پیدا کرد.

در سال ۶۶ اعتراضات متعددی از جمله در آتن تهران، کارخان‌ها و روغن‌ساز، قوزا میا علیسه آموزش نظامی اجباری صورت گرفت. اعتراضات به آموزش نظامی و ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. در کارخان‌ها، اعتراضات و اعتصابات در مقابل انتقال به صنایع نظامی از خود نشان دادند. در مهر ماه اکثر کارکنان در صنایع نظامی و ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد.

این اعتراضات تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد.

در سال ۶۶ شیعه‌ها، اخراج کارکنان را در پی گرفت. با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد.

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

سیاست نوین

به دنبال سیاست اخراجی‌ها و ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد. رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد.

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

در چگونگی اجرای قانون، ضمانت‌اجرائی آن را به نفع کارکنان به حد قابل توجه رسانده است. مشکلات فوق به نوبه خود کارکنان را به ضرورت تشکیل کمیته‌ها و به خصوص سازمان‌های کارکنان بیکار شده و وقف کرده و خواهش‌ها و اعتراضات به شایسته‌ترین مناسبات را به مؤثرترین شیوه‌ها منعقد کرده است. شاغل و بیکار ربدل کرده است.

تشکیل کمیته‌ها و به خصوص سازمان‌های کارکنان بیکار شده و وقف کرده و خواهش‌ها و اعتراضات به شایسته‌ترین مناسبات را به مؤثرترین شیوه‌ها منعقد کرده است.

رژیم با زیرپا گذاشتن حق تشکیل کارکنان در قانون کار، اقدامات تشدید کننده‌ای در جهت سرکوب جنبش کارکنان در پی گرفت. در این زمینه، رژیم با ابعاد گسترده‌تری تشدید شد.

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

وضعیت جنبش کارگری و سیاست‌های رژیم در سال گذشته را می‌توان در عرصه‌های زیر مورد بررسی قرار داد:

قانون کار باید مدافع حقوق کارگران باشد!



کارگران زن، محرومترین بخش طبقه کارگر

تا آنجا که به موازین شرعی و حقوقی ولایت فقیه در مورد کار زنان برمی گردد، زنان از حق کار محرومند. اکنون سالهاست که از استخدام زنان در بسیاری از موسسات دولتی از جمله موسسات تحت پوشش سازمان صنایع ملی جلوگیری شده و زنان شاغل در این موسسات اولین قربانیان اخراج بوده اند. به نوشته نشریه زن روز ۳۱ مرداد ماه عملکرد سال ۶۴ مراکز کارهای کل کشور نشان می دهد که از میان متقاضیان کسبه موسسات و ادارات مختلف معرفی شده اند ۹۴٪ مرد و تنها ۶٪ زن بوده اند.

کارشان طولانی است. دستمزدهایشان ناچیز است و بیمه نیستند. در این واحدها برخاسته از مزایای سابقه شغلی، مهارت، استخداه از مرخصی، آموزش فنی و امکان ارتقاء شغلی محرومی اند. در زنان و دختران شاغل در این بخش ها در شرایط بی حقوقی کامل استعفا می شوند. صرف نظر از همه اینها کار در این کارگاه ها در مقایسه با موسسات بزرگ دولتی به تخصص و مهارت فنی چندانی نیاز ندارد و غیره و بیست و سه ساعتی است.

گزارش روزافزون زندگی بخش دیگری از زنان غیر شاغل را واداشته که برای کسب درآمد مده کار خانگی بپردازند. این عده به طبعی، گله ای، بافندگی و آرایشگری در خانه، کارگری در منازل کارهای ساده تر نظیر تهیه رب گوجه فرنگی و ترشی باک کردن سبزی و حتی خریدگیس های کوبنی و خرید های پر حجم مثل سیب زمینی و غیره درازای دستمزد می پردازند.

سطح اشتغال آنان در جامعه ما به قدری ناچیز است مثلا در بلژیک ۸۱٪ از نیروی کار زنان تنها در رشته و به طور عمده در بخش خدمات به کار گرفته می شود در فرانسه در قاطعه سالهای ۱۹۶۸-۱۹۸۰ سهم زنان در بین کارگران متخصص از ۱۶٪ به ۱۱٪ کاهش یافته است. در حالی که عده زنان در برین کارگران غیر متخصص از ۲۳٪ به ۲۸٪ افزایش یافته است. با این همه زنان شاغل و در آن میان زنان کارگر در کشور ما نه تنها از امکانات دولتی و نه به شایسته در این زمینه بلکه با خودکامی و ستمیک رژیم قرون وسطایی نیز دست به گریبانند. رژیم هر چه که بتواند آنان را از محیط های کار بیرون می زند تا هم مقررات شرعی در مورد کار زنان را اعمال کرده باشد و هم بخشی از خیل بیکاران مرد را که هنوز در جامعه ایران سستون اقتصاد خانوادگی باشد به شایسته می آید، جای گزین آنان سازد.

علاوه بر کارگران و کارکنان زن آوازی از موسسات دولتی و دختران جوان را جویای کار، جنگ هر روز شام رجدیدی از زنان را به گروهی سرپرستان ملحق می کند که اگر برای تامین زندگی خود فرزندانی را تحت تاثیر ارشادات حکومت به فحشاء کشیده شوند، مجبور به کار در همین کارگاه های کوچک بخش خصوصی اند. بسیاری از همسران زندانیان سیاسی و عادی نیز ناگزیر از کار در این مراکزند.

با ایدها کارگاه ها و اوردها را نه در میان این بخش از زنان که کارگر، آنها را نسبت به حقوق صنی و سیاسی خود آگاه کرده است تبعیض رژیم در مورد محدودیت برمه های اشتغال و تنزل سطح اشتغال آنان را قاطعانه افشا نمود.

نیز حق بهره وری دریافت داشتند. کارگران شرکت چند بخش خود را بران، مبارزه وسیعی برای دریافت با داش کار و پیش بردند. کارگران شرکت آختمانیا سندج "هرمود" در خرداد ۶۶ برای افزایش دستمزد، دست به اعتراض وسیع زده و موفق به تحقق خواست خود شدند. فروردین ۶۶، رانندگان کامیون با عنوان اعتراض و سیاسی سازمان دادند. در خرداد و تیرماه، گروهی از نهادهای یوکان، ارومیه، کنگا و تبریز، مبارزه و خوی دست به اعتراض زدند و موفق شدند خواست خود را متحقق کنند. عمده خواست آنان، افزایش دستمزد بود. کارگران شرکت تاور هوازی، اعتراض در دوره های علیه عدم پرداخت حق بیمه کارگران از طرف کارفرما به اداره بیمه صورت دادند. خواست آنان: ۱- بیمه کردن همه کارگران شرکت. ۲- پرداخت به موقع دستمزد کارگران. ۳- پرداخت حقوقی کار، ۴- برداشتن حق سخته کار،

مبارزات یکساله اخیر بسیار به بوده و بسیار امیدبخش است. نکته قابل توجه دیگر این است که اعتبار این بود که کارگران فصلی کشت صنعت نیز با تاثیر پذیری از سایر کارگران، فعالانه به اعتصاب و بیرون رفتن در مقابل مرکز جنبش قرا گرفتند. انگیزه اولیه اعتصاب، تبعیض در پرداختن با عوامی بود. کارگران خواهشهای خود را در ۱۵ ماده اعلام کردند که: برکناری هیات مدیره شرکت، تشکیل شورای کارگری، روشن شدن وضعیت مزد و پرداختن کارگران، تبدیل کارگران موقت (فصلی) به دائمی، اجرای طرح طبقه بندی مشاغل و ...

سرویکو، دستگیری کارگران اعمالی و مسئولین، شوراها، اخراج کارگران فعال و تشدیدکنندگی بلایسی در واحدها و در مواردی تیراندازی و کشته و مجروح شدن فعالین معترض، از جمله اشکال مداخه سرویکو برانها رگانهای حکومتی در اعتصابات کارگری این دوره بوده است. در اعتصاب رانندگان کامیون و تریلی در بندر عباس و اعتراض کارگران بیکار رنخت در اهواز، دوشن از فعالین معترض به قتل رسیدند. در جریان تخمین اعتراض آبان ۴۶ نفتگر، در شیراز تیراندازی کار در شرکت نفت اهواز ستن از کارگران مجروح شدند.

در مقابل وضعیت جنبش کارگری در سال ۶۶ با سال ۶۵، با پدیده تشدید فضا راقتصادی اجتماعی بر کارگران، فشار رفیقان و سرویکو و تشدید فشارهای مستقیم و غیر مستقیم ناشی از جنگ، اشاره کرد. وضعیت فوق تا شریمتفا دی برجیش به جای گذاشته است. در آنگه کینه و نفرت نسبت به سیاست های جمهوری اسلامی عمیق تر شده و بی اعتمادی و رویگردانی نسبت به رژیم و سیاستهای بیشتر شده. در عین حال حرکات اعتراضی اعتصاب نیافته و راکد مانده است. عمده خواست های کارگران در چارچوب مطالبات اقتصاددی محدود مانده و اعتراضات حالت تدا فنی داشته است. یکی از عوامل موثر در پیدایش وضعیت فوق، ضعف پیشاهنگ طبقه کارگر است. پراکندگی جنبش کمونیستی کارگری و عدم حضور تشکلهای مستقل کارگری، تا شریات مخرب را در کردن نسبی جنبش بجای گذاشته است.

تجربه سالهای اخیر و بخصوص دوسال گذشته نشان داد که حضور نیروی پیشاهنگ سازمان دهند عدم وجود هما هنگی بین نیروهای سیاسی پیشاهنگ طبقه کارگر موجب درجا زدن جنبش و عدم اعتصاب شده است.

از آن جمله بوده است: مقامات و ارگانهای وابسته به رژیم تلاش کرده اند تا با غیر قانونی و "حرام" شدن اعتصاب و نیز تطبیع کارگران، اعتصاب را فاسد و نشاندند. اما موفق نشدند. بر انجام این اعتصاب بزرگ با مداخله مسلحانه نیروهای کمیته سپاه (دژول و شوش) و نیروهای شهریانی وزارت انرژی با زداشتن بسیاری از کارگران از اعتصابی سرکوب گردید. نیروهای مسلح رژیم پس از این سرکوب، در محل مستقر شدند و از بیمه و گشت های بعدی، نوعی حکومت نظامی اعلان شده، اعمال کردند.

اشکال اعتراضی کارگران در این دوره، علاوه بر اعتصاب و نظا هرات در محل کار، عبارت بود از: تخمین، طومار نویسی، تجمع، مراکز اداری و واحد یا محوطه کارخانه، مراجعه به مقامات و کم کار، کوتا هترین اعتصاب این دوره، اعتصابهای ۲-۳ ساعتی و طولانی ترین آنها، اعتصاب کوره های ملایر- ۲۱ روزه بود.

در حدود ۶۰٪ اعتصابات (از ۷۰ مورد بررسی شده)، با موفقیت های کامل و یا نسبی همراه بوده، بقیه یا شکست خورده اند یا نتیجه مستقیم و بلا واسطه ندا شده اند.

۷۰٪ اعتصابات در واحدهای صنعتی بزرگ و متوسط صورت گرفت. ۱۵٪ در واحدهای خدماتی، ۱۰٪ در واحدهای کارگاهی و ۵٪ دیگر در واحدهای کشاورزی و خدماتی.

واکنش رژیم در مقابل اعتصابات، توسط گرانده و انتقام جویانه بوده است. اعتصابات مهم (۱۰٪ اعتصابات) غالباً با سرکوب خون رژیم مواجه شدند. هجوم مسلحانه سپاه پاسداران و دیگر نیروهای

اعتراض کارگران راه آهن کرج به تنگی عرض اشتغال آنان از محل زندگی به سرکار، و اعتراض کارگران ماشین سازی خا و رجا ده سا و در مهرماه ۶۶، علیه عدم اجرای طبقه بندی مشاغل و اشافکاری صورت گرفت. از دیگر اعتراضات می توان به اعتراض در خانه بستن، لایف و کشت، صنعت کارون و کشتی سازی خلیج فارس رانا مبرد. اعتصاب پیروز مند سیزده هزار کارگر در کارخانجات کشتی ملی، مهم ترین اعتصاب کارگری سال ۶۶ بود. این اعتصاب علیه افزایش ساعت کار، صورت گرفت. کارگران به طور یکپارچه دست از کار کشیدند و در روز دوم اعتصاب را به شکل راهپیمایی و شعار به راه کرج کشادند. روز دوم، وزارت کسارو مدیریت در مقابل ایستادگی و یکپارچگی کارگران، مجبور به عقب نشینی شدند و اعتصاب با موفقیت پایان یافت.

دومین اعتصاب بزرگ سال ۶۶، اعتصاب ۶۰۰۰ کارگر کشت و صنعت هفت تپه در تیرماه ۶۶ بود. این اعتصاب از جمله سازمان یافته ترین اعتصابات سالهای اخیر کارگران درخوزستان بود. تشکل کارگران در آغاز حرکت وطنی گسترش اعتبار و تا شریان برآیدیکل ترشدن شعارهای کارگران، چشمگیر بود. این درجه از سازمان یافتگی در پایان یافت.

دومین اعتصاب بزرگ سال ۶۶، اعتصاب ۶۰۰۰ کارگر کشت و صنعت هفت تپه در تیرماه ۶۶ بود. این اعتصاب از جمله سازمان یافته ترین اعتصابات سالهای اخیر کارگران درخوزستان بود. تشکل کارگران در آغاز حرکت وطنی گسترش اعتبار و تا شریان برآیدیکل ترشدن شعارهای کارگران، چشمگیر بود. این درجه از سازمان یافتگی در پایان یافت.

مطالبات شما بجز "دیون ممتازه" کارفرمایان شمرده شود و در قانون کار ثبت گردد. برای تامین این حق مسلم خودمبارزه کنید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران مبارز! ماده ۲۷ قانون کار اسلامی دست کارفرمایان را در اخراج شما کاملاً باز گذاشته است. طبق ماده ۲۷، کارفرما از پرداخت حق سنوات به کارگر اجباری نیست. معاف شده است. همچنانکه برای لغو ماده ۲۳ قانون کار شاه به باخاستید، علیه ماده ۲۷ قانون کار اسلامی نیز مبارزه کنید. برای پایان دادن به اخراجهای خودسرانه و متشکل شوید و مبارزه کنید. قانون کار باید حق را و منیت شغلی کارگران را به رسمیت بشناسد و آنرا تضمین کند. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران مبارز! قانون کار اسلامی دستمزدها را برای شما راجز "دیون ممتازه" کارفرمایان به حساب نمی آورد. درحالی که مطالبات شما با بست حتی قبل از بدیهی مالیاتی کارفرمایان، پرداخت شود. رژیم با این اقدام، راه سوء استفاده کارفرمایان، به ویژه مقاطعه کاران را جهت حیف و میل دسترنج شما باز کرده است. مطالبات شما بجز "دیون ممتازه" کارفرمایان شمرده شود و در قانون کار ثبت گردد. برای تامین این حق مسلم خودمبارزه کنید. سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

کارگران پیشرو! هسته های مخفی کارگری را سازمان دهید، از همه امکانات علنی برای سازماندهی مبارزات کارگران استفاده کنید

درباره تبلیغات (۵)

تکنیک

نظریه اهمیت تهیه و تکثیر اوراق کتبی زسوی فعالین فدائی در داخل کشور، مبنای تهیه شیوه نامه (ا علامیه، تراکت و...) در کار شماره ۴۸ توضیح داده شد. در این شماره ضمن توضیحاتی درباره مسئله تکثیر، طرز تهیه یک نوع دستگاه تکثیر دستی تشریح می گردد.

در ارتکبیر، توجه به یک نکته دارای اهمیت جدی است: انقلابیون موظفند در حیطه امکانات موجود، همواره از آخرین دستاوردهای علم و فن در مبارزه با دشمن بهره گیرند. نمی توان با امکانات ابتدائی، در مقابل دشمنی که از همه امکانات پیشرفته سود می جوید، وظایف انقلابی خود را همه جا نبه انجام داد. هم اکنون در کشور ما دستگاه های پیشرفته چاپ و تکثیر در مقیاس وسیع، در ادارات دولتی و واحدهای کوچک و بزرگ خصوصی مورد استفاده قرار می گیرند. دستگاه های کوچک "فتوکپی" - که در هر کوی و برزن شهرهای کشور به وفور یافت می شوند - نمونه خوبی از این امکانات است.

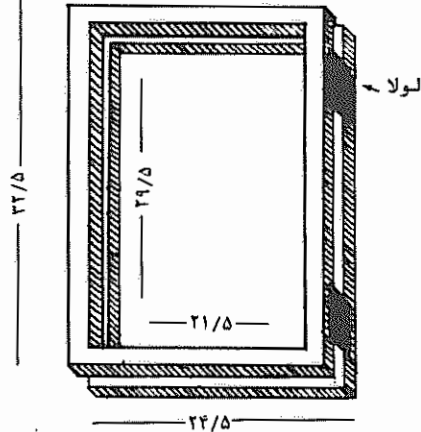
دستگاه فتوکپی از نظر حجم، وزن، تمیزی کار، سرعت عمل و... برای تکثیر مطالب مورد نظر انقلابیون بسیار مناسب است. این دستگاه به راحتی قابل خرید است و با اندکی دستکاری در سیستم مرکب آنها، می توان هزینه چاپ را به مقدار قابل ملاحظه ای کاهش داد. در عین حال برای نگهداری فتوکپی، آمینیتی زیادی وجود دارد. و با اندکی هوشیاری می توان امکاناتی فراهم آورد که نگهداری دستگاه فتوکپی در نزد این یا آن رفیق امری کاملاً طبیعی جلوه نماید و با قایل توجه باشد.

با تهیه یک دستگاه فتوکپی، می توان مطالب را ابتدا تایپ نمود (و در صورت عدم دسترسی به تایپ با دست نوشت) و سپس به تعداد دلایل تکثیر کرد. و به این ترتیب از دستگاه پستی که تهیه و توزیع آن دشوار است بی نیاز شد. نخستین تلاش رفقا با بدترین جهت با شد که با برنای مریزی دقیق و رعایت اکیدا اصول پنهان کاری، راه های تهیه یا استفاده از دستگاه های پیشرفته و به ویژه فتوکپی را بیابند و برپرسه کار خود، آنها را با استکار، بسا امکانات و ونیاهای خویش منطبق سازند. تجارب موجود نشان می دهد که در صورت تعمق و پیگیری، تلاشها اکثرآ به نتیجه می رسند. لازم به یادآوری است که در راه پلده با دستگاه های پیشرفته نباید تنها به "تهیه دستگاه" اکتفا کنید، بلکه با بدیه همان میزان به راه های تفکر کرد که امکان استفاده از دستگاه های موجود در این یا آن شرکت یا اداره دولتی یا خصوصی فراهم می آید. در این زمینه نیز تجارب موفق بسیار زیاد است.

دستگاه های تکثیر دستی، در مقابل تهیه دستگاه های پیشرفته موجود، امکان نیز می دهد که عقب مانده ای محسوب می شوند. هنرا انقلابیون نه در تهیه این گونه دستگاه ها، که در دست یافتن به مکانیزم های پیشرفته است. اما علیرغم اینها، در مختصات موجود، نمی توان دستگاه تکثیر دستی را چیزی به کلی خارج از رده به حساب آورد. سهولت ساخت دستگاه و تهیه مواد اولیه، هزینه کم چاپ، حجم کم دستگاه و... از جمله عواملی است که استفاده از چاپ دستی را در شرایط فقدان امکانات پیشرفته، مجاز و میسر می سازد. از این نظر در این شماره طرز تهیه یک نوع دستگاه ساده تکثیر دستی توضیح داده می شود. این تذکره فعالین انقلابی با بدقت عده بر تهیه و استفاده از امکانات پیشرفته قرار دهند و استثناً را بر استفاده از دستگاه تکثیر دستی.

طرز تهیه دستگاه تکثیر دستی

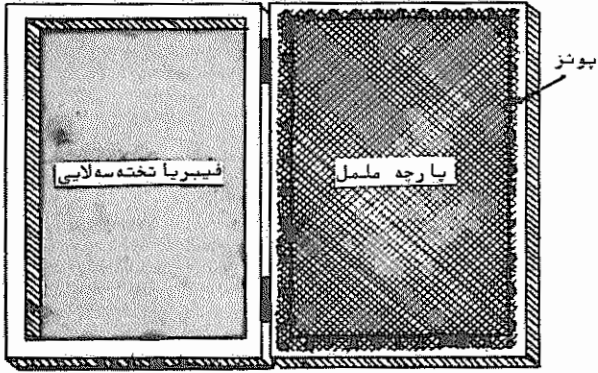
با استفاده از چوبیایی به عرض ۳ و ضخامت ۵/۸ سانتی متر، دو عدد چارچوب به اندازه داخلی ۲۱/۵x۲۹/۵ (قطع کاغذ A4) تهیه می کنیم و آنها را به وسیله ۴ لولای کوچک طوری بهم وصل می کنیم که مانند ریچه کوچکی به راحتی با زوبسته شود. هنگامی که چارچوب به بروی هم قرار می گیرند ۳ میلی متر از هم فاصله داشته باشند سپس یک عدد تخته سه لایی یا فیبری به اندازه کار بیرونی چارچوب (۲۷/۵x۲۵/۵) تهیه کرده و با میخ یا چسب به قسمت بیرونی یکی از چارچوب ها نصب می کنیم. تخته سه لایی یا فیبری با بروی چارچوب را کاملاً ملاچوشاند، به گونه ای که هنگام چاپ و بسته کردن چارچوب بتواند از سمت راست و فیبری یا تخته سه لایی بروی زمین قرار گیرد. (تصویر شماره ۱)



تصویر (۱)

پس از تهیه چارچوب مقداری پارچه ملول (که به خاطر نرم بودن و جذب عرق برای تهیه لباس زیر به کار می رود و در پارچه فروشی ها فراوان است) به اندازه کار بیرونی یک چارچوب تهیه کرده و با استفاده از زبون آن را به صورت سفت و کشیده روی رویه روئین چارچوب بالایی نصب می کنیم، به طوری که اگر چارچوب بسته شود (دو چارچوب بروی هم قرار گیرد) پارچه ملول در وسط دو چارچوب قرار گیرد. لازم به تأکید است که پارچه باید کاملاً سفت کشیده شود به گونه ای که با یک ضربه کوچک انگشت ما ننهدد، بره به صدا درآید. برای این کار با پیدای زتعداد هر چه بیشتر زبون برای نصب آن استفاده شود و اگر در کار رگسرد دستگاه ها پارچه شل شود، با پیدای زت آن را به حالت اول بازگرداند و با پارچه دیگری به جای آن نصب کرد. (تصویر شماره ۲)

سپس داخل چارچوب های که کف (قسمت زیرین) آن با فیبری پوشانده شده است را با کاغذ بومی کنیم. کاغذها باید به سطح قدری در چارچوب قرار داده شود که در فشار دست با سطح چارچوب هم سطح شود. چارچوب را می بندیم، پارچه ملول بسا کاغذهای داخل چارچوب زیرین محاسم خواهد گذشت. در این حالت مقدار کمی مرکب

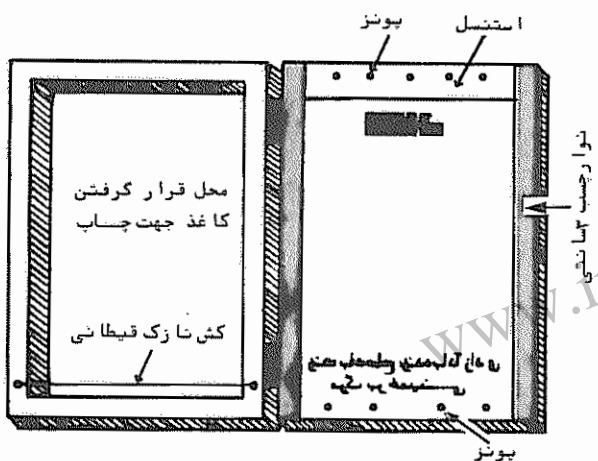


تصویر (۲)

طرز چسباندن استنسل بروی پارچه ملول

چارچوب را با زمی کنیم. استنسل اما در با بدیه صورت معکوس بروی پارچه ملول آغشته به مرکب چسبانده شود. یعنی رویه استنسل با بدیه پارچه ملول محاسم گردد. در این حالت کلمات به صورت معکوس، یعنی مانند مهران ز سمت چپ خوانده خواهد شد.

سراستنسل - یعنی قسمت کاغذی دارای چند سوراخ با بدیه بونز به قسمت بالایی چارچوب چسبانده شود و استنسل به صورت کشیده و بدون چروک بروی پارچه قرار گیرد. هنگام چسباندن استنسل با بدیه دقت و احتیاط کامل عمل شود زیرا در غیر این صورت استنسل پارچه خواهد شد. می توان با استفاده از زنون رچسب ۳ سانتی (دو فلج طولی) استنسل را به طرفین چارچوب چسبانید تا از نشت مرکب بروی کاغذ جلوگیری شود. قسمت بالایی استنسل را نیز می توان با چند بونز به پایین چارچوب محکم کرد. (تصویر شماره ۳)



تصویر (۳)

اکنون دستگاه آماده کار است. چارچوب ها را می بندیم و مقداری مرکب بروی (کاغذی حمام) یا سرامیک ۱۰x۲۰ آنرا بروی پارچه پخش می کنیم. کاغذی بسا سرامیک در اینجا نقش غلطک را بازی می کند. از این نظر لبه های آن با بدیه میز و ماف و قوس دار باشد. حرکت کاغذی یا سرامیک با بدیه از لبه پایین در جهت طول چارچوب (استنسل) انجام گیرد. در اثر حرکت کاغذی، مرکب روی پارچه به استنسل و از سوراخ های استنسل روی کاغذ برین منتقل می شود. از این رو پس از هر حرکت کاغذی با بدیه چارچوب بالایی را بلند کرده و برگ چاپ شده را برداشته (معمولاً چند برگ اول تمیز نیست ولی به تدریج مرکب تنظیم و کاغذها تمیز در خواهد آمد). هرآز چندین بار بدیه مقدار کاغذهای زیر استنسل (داخل چارچوب زیرین) افزودن سطح کاغذ از سطح چارچوب با بدیه ترنود. زیرا در غیر این صورت در اثر فشار کاغذی، استنسل پارچه خواهد شد.

معمولاً وقتی چارچوب را با زمی کنیم برگ چاپ شده بروی استنسل می چسبد و با بدیه کاغذ آن جدا کرد. هنگام جدا کردن کاغذ از استنسل این احتمال وجود دارد که استنسل پارچه شود. برای جلوگیری از چسبیدن کاغذ به استنسل می توان دو طرف یک کش قیظانی نا زک را در حالت کشیده، به وسیله بونز به عرض چارچوب زیرین وصل کرد تا کاغذها برین قرار گیرند و هنگام باز کردن چارچوب، مانع از چسبیدن کاغذ به استنسل گردند. معمولاً ۲-۳ سانتی متر ته کاغذ قیظانی سفید محسوب شده و مطلبی در آن چاپ نمی شود. از این رو کش با بدیه تقریباً ۱/۵ سانتی متر از ته کاغذ قیظانی کشیده می شود (یعنی روی فضای سفید قرار گیرد). هنگام کار کردن این دستگاه، با بدیه از مرکب شل استفاده شود. مرکب که بروی پارچه ریخته می شود، با بدیه کم تر و نه بیشتر از حد لازم باشد. زیرا اگر مرکب بیش از حد متعارف ریخته شود، بین پارچه و استنسل جمع شده و سبب چوبکیده شدن استنسل و مانع از چاپ مطلوب خواهد گذشت و در صورت ناگافی بودن نیز احتمال پارچه شدن استنسل وجود دارد.

هنگامی که هر دو روی کاغذ چاپ می شود، در صورت خواب شدن یک طرف، زحمت صرف شده بروی رویه دیگر نیز بر باد می رود. بهترین است از کاغذهای نا زک استفاده و فقط یک رویه چاپ شود. در پرسه کار با دستگاه تکثیر دستی فقط بسا تجارب و امکانات خویش خواهد افزود و آن را تکامل خواهد بخشید. تجارب تان را برای ما بنویسید.

از جهان سوسیالیسم ، از احزاب برادر

حفظ خصال کمونیستی

فشرده مقاله "دوما ثوی" ، عضو فدراسیون سوسیالیسم کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام ، به نقل از نشریه "پیک ویتنام" شماره ۱۲ سال ۱۹۸۷ :
در شرایط کنونی که کشور ما با مشکلات بسیاری روبروست و پدیده‌های منفی هنوز در جامعه جاریست ، اکثریت کا درها و اعضا ، اعتقادشان بر بهره‌بری حزب را حفظ نموده‌اند و اگر آنها در درجهت حفظ خصال اخلاقی ، روحیه مبارزاتی و احساس مسئولیت خود تلاش نمی‌کنند ، آنها با بردباری با مشکلات روبرو شده و تلاش می‌نمایند که بر آنها غلبه کنند ، در حالی که شایسته زندگی سالم خود را حفظ نموده و کلیه وظایف محوله را در عرصه تولید ، مبارزه و دیگر عرصه ها ، انجام می‌دهند . می‌توان گفت که خصال نیکوی اخلاقی به عنوان مشخصه اصلی و ماهوی کا درها و اعضا ، حزب به عقوت خود باقی می‌ماند ، این عامل مثبتی است در جهت تضمین نقش رهبری کننده حزب ما . این ارزشهای نیک ملت ما ، از آموزش ایدئولوژیک و کمینگر سازمان گرفته تا آموزش شدن فکری در برابر ما را یکسپس ، جنبش و موبین پرستی ، و همچنین ... تلاش‌های کا درها و اعضا ، حزب در جهت اصلاح خود ، سرچشمه می‌گردد . این چیز است که ما می‌توانیم به آن افتخار کنیم و با تمام قوا آن را گسترش دهیم .

با این وجود در سالهای اخیر ، در عرصه تولید تاریخی و در مواجهه با وظایف جدید و تلخ ، شرای کا درها و اعضا ، حزب در حفظ خصال انقلابی شان موفق نبودند ، در نتیجه بیش از این با یکسپس عفویت حزب کمونیست را انداختند ، پدیده‌های منفی در حزب ، در دستگاه دولتی و در جامعه ، هم به لحاظ تعداد و در نظر وزن ، روبه افزایش است . گرچه حزب و دولت ما ، تمهیدات فوری را به کار گرفتند و آموزش‌های مختلفی برای مبارزه با پدیده‌های منفی ، آموزش و گسترش خصال نیکوی اخلاقی کا درها و اعضا ، حزب استفاده نمودند (مثل مبارزه وسیع در جهت ارتقا خصال اخلاقی اعضا و تطبیق عناصرا با با اوصاف حزب ، صدور کارتهای عضویت در حزب پس از کنترل صلاحیت اعضا ، جاری کردن انتقاد و نقد داخوردی و توجه به روح رهنمودهای شماره ۲۹ دبیرخانه کمیته مرکزی) ، ولی هرگز به اقدامات انضباطی را علیه بسیاری از کا درها و اعضا ، حزب به کار گرفته‌اند و مبارزان نقیراز آنها را از حزب اخراج کرده‌اند ، اما ما به منظور کلی در جلوگیری از رشد پدیده‌های منفی ، در حزب و ارتقا خصال اعضا ، حزب موفق نبوده‌ایم ، در حزب بسیاری از اعضا باقی مانده‌اند ، بلکه به لحاظ اخلاقی فاسد هستند ، در دستگاه دولتی عناصرا سزیدادی باقی مانده‌اند ، در جامعه پدیده‌های منفی زیادی باقی مانده‌اند ، این یک موقعیت غیرعادی می‌باشد . در حال حاضر ، رایج‌ترین نمودهای جنین پدیده‌های به قرار زیر است :

- کاهش روحیه مبارزاتی و از بین رفتن شور انقلابی ، سستی احساس مسئولیت ، محافظه‌کاری و تنبلی ، انضباط سست ، تخلف از رهنمودهای و سیاستهای حزب ، سرپیچی از قوانین و دستورالعمل‌های حزب و دولت .
- تکرار منفی نسبت به کار رومیارزه ، فقدان شور و شوق ، تنبلی و بی‌هودگی ، پشت گوش انداختن کارها ، کسب درآمد ، نه‌انداز کار بلگه از اعمال غیرقانونی ، بی‌میلی در جنگیدن با کار در مناطقی دور دست .
- تکرار منفی نسبت به اموال دولتی ؛ نه فقط قصور در احترام و محافظت از اموال دولتی و کلکتیو ، نه تنها مویجات حیث و میل اموال را فراموش کردن ، بلکه حتی جدی تر از آن ، کوشش به انحای مختلف برای دزدی و اختلاس و قصور در احترام به اصول سوسیالیستی توزیع ، و تقویت عداوت نسبت اجتماعی ، تلاش در جهت گرفتن پاداش بدون استحقاق ، سوءاستفاده از قدرت جهت کسب امتیازات ، و لخرجی اموال عمومی برای ضیافت‌های رسمی و دادن هدایا به پاداش‌های ، دوستان و خویشان و ... دزدی اموال عمومی ، جدی ترین ساله جنین پدیده‌های منفی به شمار می‌رود .
- قاچاق ، سفته بازی و رشوه خوری و وسع گسترش یافته است .
- بوروکراسی ، برخورد زباله ، قلندری و زورگویی و زیرپا گذاشتن حقوق توده ها ، همچنین متداول است .
- تقلید از شیوه زندگی فئودالها ، بورژواها و نواستعمارگران ، انجام امر فاسدی .
- این پدیده‌های منفی ، در همه جا شایع است و در بعضی جا های بر روی تمامی کلکتیوها از جمله بعضی ارگان‌های حزبی و دولتی ، در تمام شاخه‌های فعالیت و در همه مناطق تشریک‌گذاشته و تا این بیشترین سطوح رسوخ نموده است . این پدیده‌ها با پدیده‌های این درجه جمع ترکیب شده‌اند و آثار تقویت می‌کند .
- این پدیده‌ها چنان خصوصیت اجتماعی و سیاسی جدی‌ای به خود گرفته است که اقدامات معمولی به کار گرفته شده علیه آنها ، توسط دیکتاتور پرولتاریا ،

کا رسا نیست . واقعیات نشان داده‌اند که هیچ‌کس در مقابل آنها مومن نیست ، آنها به هر کس صرف نظر از مقامش "حمله" می‌کنند ، اگر کسی محکم‌سرای خود را بستاند ، حتما سقوط خواهد کرد ، بعضی از کارهای رده بالا و اعضا بر سابقه حزب به نظر منطقی مورد اصابت این "گلوله‌های خوش رنگ و لعاب" قرار گرفته‌اند ، برخی از این موارد واقعاً آندوه‌سار است .

به لحاظ عینی ، پدیده‌های منفی فوق‌الذکر از این واقعیت ناشی می‌شوند که کشور ما هنوز در نخستین مرحله دزورن گذار به سوسیالیسم قرار دارد . در حالی که برای بعضی از اقتصاددانان که متحول شده‌اند ، در حالی که آن بخش اقتصاد که دارای روابط استحصاری و رده بالا ، هنوز مانعی نشده است ، در حالی که برای ایدئولوژی‌ها و شیوه‌های زندگی کهن هنوز تا ثیرات قدرتمندی را اعمال می‌کند ، و در حالی که دشمن هنوز نقشه‌های خائنانه‌ای را علیه ما طراحی می‌کند ، با این وجود به لحاظ ذهنی ، ما درسیاستهای اقتصادی - اجتماعی - مبارزاتی و در واقعیت‌های بسیار پیچیده ، در دوره اقتصادمان ، کا درها ، یمن ، با این وجود به وسیله جامعه ما و در نتیجه رهنمودهای عملی ، کمیته‌های حزبی در دوره‌های مختلف هنوز به آموزش ایدئولوژیکی و اخلاقی کا درها و اعضا ، حزب اهمیت نمی‌دهند ، در حالی که بر صلاحیت و انگیزه‌های ما ، در شاکیدیک جا نه‌اند و رند و قصور اخلاقی را مسائل جزئی شمیختی قلمداد نموده‌اند و از کنترل به موقع نا عجزند ، اعمال کنترل بر روی کا درها و اعضا ، حزب به پدیده آنها نمی‌گذرد ، اما مسئولین قرار دارند ، نسبت است . انضباط حزبی نه شدی و نه منصفانه تقویت می‌شود ، عناصرا سزیدادی و در واقعیت‌های خائنانه ، کا درها ، رهبری رعایت می‌شود ، قانون کجوبیت دیکتاتور پرولتاریا به طور صحیح رعایت نمی‌شود ، عداوت اخلاقی کا درها ، با اعضا ، حزب به عینت اخلاقی و شیوه‌زندگی شان ، و حرفشان با عمل شان یکی نیست . عناصرا سزیدادی و در واقعیت‌های خائنانه ، کا درها و اعضا ، حزب به عینت اخلاقی و شیوه‌زندگی شان ، و حرفشان با عمل شان یکی نیست . عناصرا سزیدادی و در واقعیت‌های خائنانه ، کا درها و اعضا ، حزب به عینت اخلاقی و شیوه‌زندگی شان ، و حرفشان با عمل شان یکی نیست . عناصرا سزیدادی و در واقعیت‌های خائنانه ، کا درها و اعضا ، حزب به عینت اخلاقی و شیوه‌زندگی شان ، و حرفشان با عمل شان یکی نیست .

کنگره حزب به طور جدی از این پدیده‌های منفی انتقاد کرده ، به ریشه‌های آن اشاره نمود و تصمیم گرفت که یک مبارزه گسترده در جهت تصفیه حزب و دستگا دولتی به راه اندازد و در جهت ارتقا خصال اعضا ، حزب با هم پیش رود ، کنگره تا دیکتر دکورگه موازات با بالاردن ظرفیت‌ها و بهبود شیوه کار کا درها و اعضا ، حزب ، لازم است تا خصال انقلابی آنها تکمیل شده ، این چنین ارتقا خصل انقلابی کا درها و اعضا ، حزب و تمامی مردم یکپارگی ضروریات عاجل و وظایف مبارزه ایدئولوژیکی ما می‌باشد .

به منظور اجرای قطعنامه کنگره ، اخیراً دفتر سیاسی قطعنامه‌ای صادر کرده مبارزین را تأکید می‌نماید برای "با کیزگی و افزایش مسئولیت مبارزاتی سازمانهای حزبی ، با کیزگی و ارتقا کارهای مدیریت دستگا دولتی ، دفع و حذف پدیده‌های منفی ، پیشروی برای روابط اجتماعی سالم و دستیابی به عدالت اجتماعی .

ارتقاء خصال اخلاقی اعضا ، حزب و حفظ با کیزگی صفوف آن ، محتوی اصلی و بسیار مهم این مبارزه است . این یک مبارزه انقلابی صادق و پیچیده در ایدئولوژی سازمان ، راه و روش فعالیت می‌باشد ، مبارزه‌ای بین نوآوری به موازات خط کنگره شمشیر از یک طرف و محافظه‌کاری و تنبلی از طرف دیگر ، بین محاسبات اقتصادی سوسیالیستی از یک سو ، و بوروکراسی و بی‌مسئولیت "سوسیالدها" از سوی دیگر ، این مبارزه را به نزدیکی دارد مبارزه بین "دوسیر" و مبارزه علیه جنگ چندجانبه خرابکاران دشمن ، این مبارزه به ترکیبی همگون از اقدامات فوری ، آموزشی ، اقتصادی ، سازمانی و متناوبه‌ای نیاز دارد و به اجزای قطعنامه کنگره شمشیر و قطعنامه‌های مربوطه کمیته مرکزی گروه خورده است .

روز معلم گرامی باد !

۱۲ اردیبهشت ، با یاد و احترام بزرگ و یک - با رچه معلمین شرفراز ۱۳۴۰ است که حمایت همه - بستگی معلمین را سرکشور را در دنبال داشت . در بزرگان این اعتصاب بزرگ و پیروز منسب ۱۲ اردیبهشت روز معلم نامگذاری شد .

شراپه‌زندگی امروز ما موزگان را در میهن آخوند زده و بی‌لایه‌ها با بسیار دشوار و وقت فرساست . حقوق نا چیزی است که تنها در برابر سخت و پراورش شان در یافت می‌کنند ، به هیچ روی به شکوهی هزینه‌زندگی در این شرایط گران‌تری سرگیمه‌آور و تورم روز افزون ما معنیست ، بی‌تفاوتی هم‌گفتی ۲۵۰ هزار معلم - یعنی اکثریت آنها - حقوقی کمتر از ۴۵۰۰ تومان دریافت می‌کنند .

در چنین اوضاع و احوالی است که کارکنان امور فرهنگی جامعه ما مجبورند پس از پایان کلاس - های درس در دستگاه‌های املاکات اتومبیل ، در شرکت‌های خصوصی و یا تجارتخانه‌ها به عنوان منشی و حسابدار ، تدریس خصوصی و یا مشاور فشرکی شخصی ، روزشان را به امید لقمه‌نانی بیشتر شب بگذرانند و فرزندانشان را به خسته‌در کلاس درس حاضر شوند .

رژیم‌خوردنی معلم‌شرا فتمند و زحمتکش ایرانی را مجبور می‌کنند که تنها در چارچوب اندیشه‌های قرون وسطائی فدیشری و جنگ طلبانه‌شان در کلاس‌های درس سخن بگویند ، و اگر اندکی از این مرزهای مقرر شده تخطی کنند ، "عصرنا مطلوب" نامی خسته می‌شود و محکوم به اخراج و برده‌داری می‌شود ، از سال ۱۳۵۸ تا کنون به اعتراف مسئولین رژیم ، ۳۰ هزار موزگان متعهد و دلسوز مشمول "یا کسای" شده‌اند و ما بیک نیز با دیگر گرامی و زیر آموزش و پرورش آنها را تهدید می‌کنند ؛ "کنون در حال مطالعه هستیم تا بر اساس طرحی با معلمانی که آوا قضا قابل اطلاع نیستند برخورد کنیم ." (اطلاعات ۱۶ دی ماه ۱۳۶۶) عدم امنیت شغلی یکی دیگر از دغدغه‌های معلمین ما است . معلمین فرهنگیان ایران از زحی آجیاد هر گونه تشکل صنفی مستقل محرومند ، آنها فاقد هرگونه اتحادیه‌ای هستند که از حقوق با یمن آن شده‌شان حمایت کند ، رژیم‌تنها "انجمن اسلامی معلمین" را مجاز می‌شناسد ، این ارگان در واقع یکی از زهرهای حکومت برای فشا رمنافع بر معلمین آزاد دومتفرقی ، مرکزی برای تفرقه افکنی و خبرچینی علیه توده معلمین است . هر تلاش برای ایجاد انجمن صنفی یا اتحادیه معلمین با سرکوب خشن حکومتیان مواجه می‌شود .

در این میان وضع معلمین حق التدریسی از همه دردا و تراست ، اینان نزدیک به ۸۰ هزار جوان دیلمه‌ای هستند که به استخدا مرسوم آموزش و پرورش پدیده‌اند ، بر اساس ساعات تدریس ناخفصوق بسیاری چیزی دریافت می‌کنند ، سنوات خدمتشان جزو با بقه کار آنها محسوب نمی‌شود و خلاصه زهرگونه مزایای کارمند دولت محرومند ، رژیم خودها بسا کمترین حقوق این جوانان محتاج را اجبر کرده است ، تا نا بده‌گوشه‌ای از کمیته ۲۰۰ هزار معلم و ۲۰۰ هزار دبیر را سرکشور جبران کند .

سازمان ما معلمین آگاه ، مبارز و با تجربه را فراموش نماند با تلاش بی‌گیرانه در این شرایط دشوار برای ایجاد نه‌نوع تشکل صنفی میان همکاران خویش ، راهنمایی و کمک به معلمین جوان و هدایت مبارزه توده معلمین ، نقش فعال و موثر ما موزگان را در جنبش مردم ایران احیاء کنند .

از : خریدن کا درهای خیلی بالا ، رشوه‌دادن به کا درهای پایین ، ساخت و یا خت با عناصرا سزیداد درون ارگانهای دولتی و تجاری غیرقانونی ، و شایدهم کمک به نقشه‌های دشمن که در پی خرابکاری در اقتصاد ما است . آنها با اهداف و غرض خود ، عناصرا خطرناکی شده‌اند که در مقابل خت حکومت مردم - ایستا ده‌اند ، آنها چه شده‌اند و یا نشده‌اند ، به هر حال دشمن سوسیالیسم‌اند ، هر محل و هر شاخه‌ای از فعالیت ، باید فوراً تعداد از این موارراده‌توده را به زیر سؤال کشیده و مردم را از آن ملامت آگاه سازند . ما با بدکشفیات و افشاکری‌های توده‌ها و رسا نه‌های گروهی را با تحقیقات سراسری ما موارن دولت ترکیب کنیم ، ما با پدیده‌ها مبارزه کنیم - خسته سازمان‌های حزبی و دستگا دولتی را با مبارزه علیه پدیده‌های منفی ، در جامعه بطور کلی ترکیب کنیم . ما با دبیران زده درون حزب و ارگان‌های حکومتی را با تشویق توده‌ها برای پیوستن به ساختن حزب و دستگا دولتی ، ترکیب کنیم ، با یمن آنها را تشویق کنیم تا از کا درها و اعضا ، حزب و کارمندان حکومت انتقاد نکنند ، عناصرا سزیداد فرصت طلب را شناسایی و افشا کنند ، در همان حال ما با دبیران خطا و اشتباهات کا درها و اعضا ، حزب و کارمندان دولت نظارت کنیم ، بویس از ما نه‌تنها حزبی که به آموزش و مدیریت اعضایشان اشتغال دارند ، پیشینه‌های ما سازنده را تهدید می‌کنند ، در این منطبقات و مسائل ارتقا جمعی به طور متین بسیار مهمی دارند ، مطبوعات ، صدای حزب و در عین حال ، صدای توده‌هاست . مطبوعات می‌باید سراسری در سازمان تکراری افکار عمومی دارند .

ماکسیم گورکی، پایه‌گذار رئالیسم سوسیالیستی

اگر "لوتولستوی"، آئینه انقلاب دمکراتیک درتسا می‌باشد و عینی ذهنی آینه در روسیه بود، ماکسیم گورکی را تنها با معیار انقلاب سوسیالیستی، شیروانی آن و فضا دهی درونی‌اش می‌توان محک زد. آنکسی ماکسیموویچ بشکوف (گورکی) از مسیر تجرب به سخت زندگی به این فلسفه با شگوهیا گذاشت. این فرزندیک خانواده خرده‌پای شهر "نیژنی نووگورود" (گورکی کنونی) ده ساله بود که پس از مرگ مادر، از خانه‌ای که بدبختی به آن روی آورده بود، به عمیق اجتماع پرتلاش شد (۱۸۹۴). پدرش سال‌ها پیش مرده بود و از تصویر خاطر او، تنها ما فهمیدیم عت، شرافت و نوع دوستی برای پسر به میراث مانده بود که با سراسر زندگی وی درآمیخت.

گورکی در جریان کار سخت و طولانی در حرفه‌های گوناگون، در روزهای با کارگر و تیسر روز و محرومان و راننده‌ها در روسیه آن زمان، همبستگی عمیق با رنجبران و نوبرت از توانگران استقامت را در دل داشت. همه‌گونه که خود می‌گفت: با همه، دانشکده‌های او بود. آشنائی با محافل مترقی انقلابی و فضا لیت روزنامه نگاری به تدریج نگرش نوین نسبت به رنجبران و رانندگان و بدبخت‌ها آورد. او در سیاه‌پوشی آن‌ها و نگرش و فضا لیت اعتراض علیه پیدا دوست‌سرمایه‌داری و فساد در راه عدالت اجتماعی، بلکه رسالت تاریخی طبقه‌ای بالنده و سراسر خیزمندی را یافت.

پیش از گورکی، نویسندگانی چون چرنیشفسکی، لوتولستوی، در روسیه و نیز برخواستی نویسندگان اروپائی، در آثار خود، قهرمانان کارگر آفریده بودند، اما تنها به صورت مردمی سنگین و قریب‌باشی به عدالتی اجتماعی، گورکی برای نخستین بار، کارگر را به مثابه نیروی تاریخ ساز که آینه‌ها از آن اوست، به تصویر کشید. آفرینش گورکی ما را از گذشته و تیره‌پوشی هنری انقلابی اوست. نقش و تاثیر انقلاب هنری گورکی در جنبش انقلابی قرن ما، تردیدنا پذیر است.

گورکی شناخت جهان را از درآمیختن با زندگی واقعی آغاز کرد و به این جهت مدافع سرسخت واقع‌گرایان بود. او در اندیشه نویسنده‌ای جوان، نوشت: "با یاد خود را به زندگی نزدیک کرد... توجهت را به خود متمرکز نکنید، بلکه جهان را در خود تمرکز کنید." رئالیسم او، دیوار تمام فلسفه‌های ذهنی گورکی نبود و او از گورکی‌سرموین روشنگران و هنرمندان آن دوره را ویران کرده، برزمین واقعیت ایستاده بود، زمین که تنها انسان می‌توانست آن را شخم زند و محصول تازه‌ای به دست آورد.

او با تحقیق انسان که در هنر و ادبیات بود و توانی سرمواست، سرخشانده به هم می‌آورد و برخاست. گورکی اعتقاد داشت که "انسان معجزه است. تنها معجزه روی زمین، تمام معجزه‌ها و زیبایی‌های دیگر توسط اراده، خرد و تخیل او آفریده شده است!" او در عین حال عوامل اجتماعی "از هم گسستگی شخصیت انسانی و به زبان مارکس "از خود بیگانگی" انسان را آشکار می‌کرد، و با آن به مبارزه می‌یستاد. قدرت شوم اعتیاد او کم‌کم با زندگی خرده بورژوازی را که با رکود معنوی تجسم می‌یابد، به شدت محکوم می‌کرد. در پرئوچین شناختی از ظرفیت‌های انسانی، و موضوع درتسا می‌آفرینش هنری گورکی، عمده می‌شوند: رسالت خیزش و تخریب شخصیت که موضوع اول درتسا می‌شود "در آن کودکی، در جستجوی نان، دانشکده‌ها را می‌تجلی می‌یابد و مضمون دوم در "زندگی کلیسا مگین".

گورکی نه تنها پایه‌گذار ادبیات کارگری که بنیان گزار رئالیسم سوسیالیستی نیز هست، او پس از انقلاب اکتبر، خدمات شایانی در تربیت نویسندگان و شاعران جوان شوروی کرد. ادبیات شوروی نه بدون او نه حتی بدون تاثیر عملی او در تعالی آن قابل بررسی نیست.

هنر و ادبیات مردمی

گورکی در عشق به عدالت و نیک‌روزی و نفرت از زبانی‌های جا معه، از زمان آغاز زندگی حزب لنین، به آن به دیده احترام نگریست. تعلق او به پرولتاریا و جنبش پرولتری، زمین‌ساز طبیعی دوستی نزدیک او با لنین را فراموش کرد. و هنگامی که لنین در جریان برگزاری کنگره پنجم حزب سوسیالیست در مکران لندن بود، آن دو با هم دیدار کردند، گورکی علیه غم آنکه در مقام طبیعت نشو و نما به صحت اندیشه‌های فلسفی و سیاسی - اجتماعی لنین پی برید، ولی همواره به لنین به دیده تحسین نگریست. هنگام آمدن دیدار لنین و گورکی در مان "مادر" تازه منتشر شده بود. لنین دیدار سیاه‌رنگ را یادداشت و "قیام مجلس از نواقص کتاب ما در سخن گفت و معلوم شدن مسئله خطی آن را... خوانده است". و هیریلوشویک‌ها بر ضرورت انتشار کتاب تاکید کرد و گفت: "این کتاب به موقع منتشر می‌شود." گورکی بعدها نوشت که، "این نخستین و تنها تحسین لنین برای او بسیار ارزشمند" بوده است.

گورکی به نوبه خود، در شرحی دربار لنین، این چنین به ستایش آن مرد بزرگ می‌پردازد: "هنوز در جهان مردی پدید نیامده است که ما ننند آرزو او را داشته باشیم و بدان با او دوستی گورکی و لنین صمیمانه‌ها پیدا شود. مگر آینه‌ها آن‌ها تا زمانی که لنین توان نوشتن داشت، قطع شد. آنها با رها بگردان ملاقات کردند، این رابطه و مباحثات، و علی‌رغم اختلاف نظرها می‌عین، برای هر دوی آنها شریک شد و حتی وقتی به پیچیده ترین حالت خود رسید، باز هم ادامه یافت. این پیچیدگی - که تا امروز گم‌گشته آن برداشته شده - به او آکنش گورکی نسبت به انقلاب و به ویژه در ماه‌های اول آن - با آن ۱۹۱۷ و اوایل ۱۹۱۸ - مربوط می‌شود. توجه به این مساله، به اهمیت هنر و ادبیات برای انقلاب و رابطه متقابل هنر و سیاست، روشنائی بیشتری می‌بخشد.

در آن زمان از سوی گورکی مقاله‌ای تحت عنوان "اندیشه‌های ما در روزنامه عصر جدید" منتشر شده که طی آن، به برخی خطه‌ها و بعضی جنبه‌های پدیدار شده در انقلاب حمله شده بود. این اقدام، آشکارا به ضرورت انقلاب می‌باشد. این حملات اعتراضی که گورکی به توجیه شخصی لنین نیز بود، با واکنش شگفت‌انگیز از جانب رهبران انقلاب مواجسه شد. لنین با متانت و بردباری، او را با اعتقاد او افق خردمندی نسبت به گورکی بخورداد کرد. چرا؟ در وهله نخست به این دلیل که سرخشانده‌های اضطرار و بیم‌و هراس نویسندگانی می‌شناخته‌های می‌دانست که گورکی به انقلاب نگاه می‌نمود "کاملاً درواکتون تلقات، ضایعات انسانی و معنوی عظیم، گرسنگی و سرما زدگی... مردم می‌کشند" تاب نمی‌آورد.

لنین نخستین و تنها کسی بود که در پی گورکی رفت و به عبارات دقیق تر، در عین حال همراهی گورکی، به همان میزان با شور و شوق، در اندیشه‌ها را یافت، حفظ و تحکیم فرهنگ او را می‌سازید.

در میان آتش فزاید انقلابی بود که جا معه، عجب مانده روسیه را، از آسایش دگرگون می‌کرد. لنین حق گورکی را برای اعتراف به انقلاب می‌پذیرفت. در سال‌های پس از انقلاب، لنین در دیدارهایش با نویسندگان، از جمله در مورد وضعیت هنرمندان، یادداشت‌ها و روشنگران پیرو جومی کرد. گورکی که در آن زمان، کمیسیون برای حفظ سطح زندگی این قشر تشکیل داده بود، با رها برای کمک و نجات آن، به لنین مراجعه می‌کرد. خود نویسنده می‌گوید: "هیچ مردی را به یاد ندارم که ولادیمیر ایلیچ از آنجا درخواست‌های من خودداری کرده باشد."

گورکی چند سال بعد، اشتباهات اصلی خود

در بر خوردن با انقلاب و لنین را پذیرفت. چو را دوست گورکی را - با وجود کمرا‌ها می‌یش - همیشه لنین داشت؟ "خاتم" ما ریتا شاینیان نویسنده فقید شوروی به این سؤال است که به پاسخ می‌دهد: "... مرزا بلطه مقابل آنها در همین جاست. گورکی برای وی ضرورت حیاتی داشت: اشتیاق می‌کنندگانی که فکر می‌کنند در مقابل آنها، تنها لنین به گورکی... او موخت و نویسنده به طوری طرفه به او نیاز داشت... گورکی عامی بود که توده تا شیری پیرو و تندتیز برای "ولادیمیر ایلیچ" ضرور بود، مثل هوا، مثل نان، همه‌نظر که دست راست به دست چپ نیاید." لنین، خود به گورکی ارج می‌گذاشت: "نبوغ عظیم هنری در فرهنگ جهان".

گورکی به صراحت آن لنین و به کمک او، در سال ۱۹۲۲، به خاطر بیماری سل، دوباره برای استراحت به کارگری (ایتالیا) رفت. اما هرگز نتوانست دوری از همین انقلابی‌اش را تمام آورد. با رها به کشورش سفر کرد و با لاف در سال ۱۹۲۳، به وجود شدت بیماری به اتحاد شوروی بازگشت و سه سال مانده عمراً در میهن زیست.

با گذر از آفرینش گورکی که در متون جریان زندگی و پژوهش‌های ایدئولوژیک سده بیستم جان گرفت، از مرز دهه‌های نخستین قرن می‌گذرد و به روزگار ما می‌رسد. در ایام فراگیری پیش از همه، در آخرین و غنی‌ترین اثر بزرگ او، همان جها رجدلی "زندگی کلیسا مگین" آشکار می‌شود. کلیسا مگین، این تماشا گر رویدادهای تاریخی و اعمال انسانی، با وجود تماثل‌های ذهنی گورکی به نداشتن برای اصیل جلوه‌گردن، کسی از آبدر می‌یابد به بی‌مایه کوچک و بارشستی عمیقاً فردگرایانه (اندیویدالیستی). نویسنده، با همخوانی ادعاها، جستجو و تلاش‌های تب‌الاسود روشنگر متوسط را در روندهای بی‌پاییده زندگی واقعی نشان می‌دهد. در این اثر، یک دوره کامل تاریخ روسیه، از آغاز قرن ۱۹ تا انقلاب اکتبر، با تمام شخصیت‌های محرومان آن جان می‌گیرد. از انسان‌های بزرگ و بی‌علاق و فداکار تا بزرگان مالکیت، از متمدن بورژوازی، روشنگران خرده بورژوازی، فضا لیت و نیز قهرمانان و شایسته‌ها چه‌دا دیده که هر یک کارگر اجتماع می‌باشند. سرخشانده را بر رویدادگرایی‌های جامعه روسیه - که دوره می‌گذارد، به منشاها، کارکردها و تاثیراتی که امروز نیز در هر آنجا که مبارزه‌ها در طبقه‌های جهان دارد دوباره زاده می‌شوند. و این نمودی است از پیوند عمیق گورکی با جهان معاصر.

گورکی خود، این دوره‌ها را با افلاطون مشاهد و تجربه کرده بود. او با دیگر انقلاب بود، به انتقاد از انقلاب پرداخت، و پیوسته به دفاع و پشتیبانی سرخشانده از آن ایستاد. گورکی در اعتراف اجتماع غوطه خورد، با مردم عادی روسیه زیست و کار کرد و از میان جامعه روشنگران روس، بسیار رتوشه‌ها نوشت. فرهنگ و ادبیات کلاسیک همیشه را فرار گرفت. با به‌گذار ادبیات پرولتری شد و ادبیات پرولتری و سوسیالیستی پاس داشت. در دوران نویسندگانی که گورکی داشت، در سال ۱۹۱۸ درتسا می‌نوشت: "شما درپای انسان زستان و آستانه دنیا را به دنیا آیدید. این تصادف، نماز زندگی شماست. زوال و فروپاشی دنیا که بینش و پیدایش دنیا، نوین از بی‌طوفان‌ها. شما به رنگین‌گمانی می‌بندید که دو جهان را به هم وصل می‌کنید، گذشته و آینده، من این رنگین‌گمان را می‌ستایم. رنگین‌گمانی که بر آینه‌ها می‌تابد. آستانه‌های که پس از ما خواهند آمد، آن را دیرزمانی خواهند دید."

گورکی چند سال بعد، اشتباهات اصلی خود

تظاهرات ضد جنگ

بعد عود جمعی از دانشجویان ایرانی مقیم در آمریکا به نظر هرات زدنند ۱۵ اسفند ایران برانیا مقیم شهرهای کلن و بن (آلمان غربی) به نظر هرات منابهی دست زدند. این تظاهرات هرات روز ۲۱ اسفند در برابر سفارت جمهوری اسلامی با شعارهای کوبنده سرگرمی، سرگرمی، سرگرمی، زنده‌ها مدلسطیح و آزادی تکرار شد. ۱۹ اسفند در مونستر، ۲۱ اسفند در هانوفر، ۲۳ اسفند در مونیخ، ۲۷ اسفند در آخن، ۲۹ اسفند در بایرون، میستینگ‌ها و تظاهرات ایرانیان مقیم آلمان با خاوست قطع شعوری موخت با رها و اجرای قطعنامه ۵۹۸ شوروی امنیت داده می‌افت. از نخستین روز سال نسبو، فدائیان خلق در فرا نکفورت، در اعتراض به ادامه

جنگ و کشتار مردم، دست به اعتصاب غذا زدند. اعتصاب با حمایت پرشورتیروهای ترقی‌خواه و به ویژه حزب کمونیست آلمان مواجه شد. کشورهای دیگر اروپا نیز عزمه تظاهرات ضد جنگ ایران را نشان داد. روزهای ۱۵، ۱۸، ۲۰، ۲۱، ۲۲، ۲۳ و ۲۴ اسفند در شهرهای مختلف سوئد با خواست قطع جنگ شهرها و اجرای قطعنامه ۵۹۸ تظاهراتی انجام شد. ایرانیان مقیم در آلمان ۱۹ اسفند در کپنهاگ دست به تظاهرات زدند. در آتریش، نروژ و برلین غربی نیز تظاهرات مشابهی برپا شد. روز ۱۷ اسفند، پناهندگان ایرانی در پاکستان به دعوت "کانون پناهندگان ایرانی - کراسی" تظاهرات اعتراضی برگزار کردند. در روز پیش از آن، نیز تظاهرات مشابهی در پاکستان برپا شد. تظاهرات سراسری ایرانیان خارج از کشور، توجه بیش از پیش مردم جهان را به این جنگ

به مناسبت دهمین سالگرد انقلاب شور، پیام شادباشی از جانب کمیته مرکزی سازمان به کمیته مرکزی حزب دمکراتیک خلق افغانستان، ارسال گردیده است. بخش‌های آن در زیر آورده می‌شود:

دهمین سالگرد انقلاب شور کرامی باد!

کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) دهمین سالگرد انقلاب شور را به حزب (اکثریت) دهمین سالگرد انقلاب شور، سازمان فدائیان خلق افغانستان، و از این طریق به همه مردم نجیب جمهوری افغانستان صمیمانه شادباش گفته و در این خجسته روز، بسیار دیگر همیستی‌ها را در این خودبازمندگان و سازمان دهندگان انقلاب ۷ ثور ۱۳۵۷ و رهبران پیگیر آن شور و اعلام می‌دارد.

... زایش افغانستان مستقل و مترقی از دل انقلاب شور، سیمای سیاسی منطقه حساس و استراتژیک ما را دگرگون کرد. امپریالیسم و ارتجاع منطقه، هر اسارتی از این سنگر نوین صلح و ترقی در منطقه، سیاست جنگ اعلام‌نشده علیه انقلاب شور پرچم‌داران دست‌آورد آن، معنی حاکمیت مردمی افغانستان را در پیش گرفتند. انقلاب افغانستان، در مقابل این توطئه‌ها راه ایستادگی فداکارانه را برگزید و با برخورداری از کمک‌های پراچ اتحاد شوروی، از خود دفاع کرد. ... اجرای عملی مناصب ملی، غلبه ملی یکی از جداترین منازعات منطقه‌ای را امکان پذیر می‌سازد. سیاست "مصلحت‌مدانی" تا دمقوله‌ترین راه در تضعیف سرشونت افغانستان به دست خود افغان‌هاست که رهبری حزب دمکراتیک خلق افغانستان را در پیش گرفتن آن، مسئولان و فعالان کشور را در جهت ایجاد ساختار منکی بر سیستم چند حزبی در عرض سیاسی و چندپارته‌ای در عرض اقتصاد و سیاست داده است. ...

اکنون با اوضاعی توافق‌ناهم‌های ژنو، شرایط بس ماسعی برای انزوا و سیاست ادا محبت‌گ و خون‌ریزی در افغانستان، سریع‌پیشروی‌ها اما لحه ملی و تحویت مکانات به منظور حل سیاسی اوضاع اطراف افغانستان به وجود آمده است. ...

توافق‌ناهم‌های ژنو که مورد پشتیبانی گسترده‌ترین محافل سیاسی جهان قرار گرفته است، پیروزی مهمی برای نیروی صلح درگستره جهان، منطقه و افغانستان محسوب می‌گردد. کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) از توافق حاصل شده در کنفرانس ژنو، استقبال کرده و بیش پیش، هرگونه خلال در تحقق آن را قاطعانه، محکوم می‌کند.

رژیم رنجانی جمهوری اسلامی، با کتا رهگیری از شرکت در روند مذاکرات ژنو، طی شش سال گذشته، اتحاد سیاسی دوامدار را در داخله جویانه از طریق شنج‌فرینی در مرزهای کشور، هر همسایه به افغانستان، تسلیح و تره‌های نده‌های فدا انقلابی برای اعمال جنا پکارانه و ویرانگرانه علیه هم‌وطنان و زادگاهشان، و نیز جلوگیری از بازگشت مهاجرین افغانستان به وطن خود، به‌طور انکارناپذیری خصوصت علیه انقلاب شور و ستا و ده‌های آن را به اثبات رسانیده است. این سیاست که چشم‌اندازی برای توقف آن دیده نمی‌شود، کاملاً ملامت‌بار آن را و منافع مردم ایران و خواست‌های نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه کشور ما است.

... کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با درگیری‌های خصمانه و مداخله جویانه رژیم‌خیمینی علیه افغانستان را قاطعانه محکوم کرده و از تلاش‌های مسئولان جمهوری افغانستان در اعاده‌ی سازی مناسبات بین دو کشور، جدا پشتیبانی می‌کند. ...

شهرها، هرگونه کاربرد سلاح شیمیایی، جنا بی‌سایه‌ی هولناک است. ما این فجاج را به شدت محکوم می‌کنیم. ما خواهان اجرای فوری قطعنامه ۵۹۸ شورای امنیت و خواهان تشدید فشار بین‌المللی علیه طرفی هستیم که از پذیرش این قطعنامه سر باز می‌زنند. رژیم جمهوری اسلامی ایران تا کنون از پذیرش آتش‌بس خودداری کرده است. ما خواهان خروج فوری نیروهای اشغالگر امپریالیسم آمریکا و متحدان آن از خلیج فارس و جلوگیری از تکرار رهنوع عمل تجاوزکارانه در منطقه خلیج و تأمین و نظارت بر امنیتی کشتی‌رانی توسط نیروی ناظر سازمان ملل هستیم.

دست امپریالیسم آمریکا از خلیج فارس کوتاه مرگ برجنگ و جنگ افروزان این‌زنده با صلح کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) ۳۰ مرداد ۱۳۴۷

قرارداد ژنو، نوید استقرار صلح در افغانستان

اعلامیه مشترک جداگانه‌ها هدف مساعدت به تحقق مفاد قرارداد دژنو و محترم شمردن حق حاکمیت، استقلال و تمامیت ارضی درگش، متعددی‌ند که از دخالت و تجاوز و به شکل دریا مورداخلی پاکستان و افغانستان خودداری کرده و توافق حاصله محترم شمرده و از سایر پرولتاریا نیز اتحاد و اتحادیه‌ی شیوه‌ای را مطالبه می‌کند.

با امضا و اجرای قرارداد دژنو، قوای نظامی شوروی از ۲۵ اردیبهشت خاک افغانستان را ترک خواهند کرد. اتحاد شوروی تقبل کرده است که در عرض ۹ ماه، نیروهای خود را از افغانستان خارج کند. کشور، حداکثر مساعده را بنماید.

اجرای قرارداد دژنو، راه را برای حلی یکی از پیچیده‌ترین درگیری‌ها منطقه‌ای باز خواهد کرد. بقینا کشور این گروه، تا شرف‌قابل ملاحظه از طرف سایر درگیری‌ها منطقه‌ای برخواهد گذشت. گاراج، رهبر شوروی، اهمیت اشغال‌دین قرارداد در معاد قرارداد آمریکا و شوروی درباره محو موشک‌های میان برده‌های آسیا می‌کرده است. کلیه نیروهای صلح‌گرا در افغانستان، از قرارداد دژنو استقبال کرده‌اند. اکثر کشورهای دولت‌های جهان، با اعلام پشتیبانی از قرارداد، طی ارسال پیام به دولت‌های افغانستان و پاکستان، از اجرای هر چه سریع‌تر آن شده‌اند. رژیم‌خیمینی تاکنون نه تنها استقبال از آن به عمل نیاورده، بلکه همه‌چیز را بر موانع خود علیه دولت افغانستان، در دفاع خود از نیروهای مفاومت مسلح فدا انقلاب فاش‌ناری کرده و از تسلیحات علیه دولت افغانستان دست‌نکشیده است.

نیروهای ائتلاف هفتگانه اعلام کرده‌اند که قرارداد دژنو را به رسمیت نمی‌شناسند و هنوز قاعدند. ارتداد سلح دراز زمین بگذرانند. آنها اعمال خرابکارانه و تروریستی خود را شدت داده‌اند و این در حالی است که فضای قرارداد دژنو و خروج قریب‌الوقوع نیروهای شوروی، اختلافات درون آنها را آشکارتر کرده است. نیروی مفاومت فدا انقلاب افغانستان هنوز به کمک‌های آمریکا می‌باشد و امیدا بوده‌اند متکی است. بی‌نامه منشره از جانب وزارت امور خارجه آمریکا نسبت به این قضایا بوده است. در آن بی‌نامه گفته شده است که: "افغانی قرارداد دژنو معنی به رسمیت شناختن حکومت افغانستان از جانب آمریکا نیست." گویا آمریکا قصد دارد علیه فضای قرارداد دژنو، همچنان اقدامات به‌کمک خود به فدا انقلابیون افغان ادا دهد و در صورت اجرای قرارداد، پاکستانی مواجسات، سؤال این جا است که در آن صورت‌های بدنی به تضمین اجرای قرارداد، از جانب آمریکا چگونه خواهد بود؟

مردم و دولت افغانستان این روزها، در آستانه دهمین سالگرد پیروزی انقلاب شور، با دشمنی و استقبال پرشور از فضای قرارداد دژنو، با امید به پایان خون‌ریزی در آسوده‌ای نزدیک، میتینگ‌های پرشکوهی برپا کرده و در آن بار دیگر مخالفین را به گفتگو و توافق می‌خوانند. در میتینگ‌های بزرگی که پس از فضای قرارداد در کابل برگزار گردید اعلام شد که افغانستان کشوری غیر وابسته و غیر متعهد با سیستم سیاسی چند حزبی و چندساختاری از نظر اقتصادی خواهد بود. مجدداً آمادگی دولتی افغانستان برای مذاکره با نیروهای اپوزیسیون اعلام گردید.

مردم و دولت افغانستان مصممانه نخواهد آن قطع خون‌ریزی و بی‌ادراکی و برقراری صلح و آرامش هستند و این به نوبه خود، اساسی‌ترین و امیدبخش‌ترین بخش تضمین برای پیشرفت روندهای است که با امضا قرارداد دژنو جاری شده است.

تاجران ژناله آمریکا...

ادامه جنگ علاوه بر اینکه بزرگترین چنایت علیه مردم دو کشور ایران و عراق را عملی کشتار هر روز صدها و هزار نفر بینگنا و خرابی‌های وحشتناک در دو کشور است. زمینه‌فرما هم کرده است که امپریالیسم آمریکا و متحدین ناتوئی آن را در اوضاع به نفع خود بپهر برداری کرده و خلیج فارس را جولانگاه نیروهای نظامی خود کند. عملیات ما جرای جویانه علیه کشتی‌های غیرنظامی متعلق به کشورهای بیطرف به‌زبان منافع ملی همه کشورهای حوزه خلیج فارس و یک تهدید جدی علیه امنیت جهان است. ما مکرراً ضرورت قطع فوری هرگونه عملیات نظامی علیه کشتی‌ها از جمله هرگونه مین‌گذاری در خلیج فارس را مورد تاکید قرار داده ایم.

فدائیان خلق ایران و سایر نیروهای ترقی‌خواه کشور ما در راه اعلام فوری آتش‌بس و قطع بیدرنگ جنگ، مبارزه می‌کنند. ما همواره خواهان تخلیه فوری سرزمین‌های اشغالی توسط هر یک از طرفیسن از جمله تخلیه فارس و خلیج بوده ایم. هرگونه حمله به هدف‌های غیر نظامی، بمباران و موشک‌باران

در آستانه بزرگداشت دهمین سالگرد انقلاب شور در افغانستان، درهای بازگشت صلح و آرامش و پایان یافتن جنگ برادرکشی، به‌ویژه مستردم زحمتکش افغان گشوده شده است. تلاش‌های مستمر و چندساله حاکمیت انقلابی افغانستان و اتحاد شوروی برای پایان دادن به درگیری‌ها و پیشبرد مذاکرات دوجانبه میان افغانستان و پاکستان که از شش سال پیش با میانجیگری سازمان ملل متحد آغاز شده بود، سرانجام در روز ۲۵ فروردین امسال با امضای قرارداد دژنو، شمرده شده است. طبق این موافقتنامه دولتهای افغانستان و پاکستان بر سر رعایت اصول مناسبات متقابل مبتنی بر عدم مداخله در امور داخلی یکدیگر به توافق رسیدند، و دولتهای اتحاد شوروی و آمریکا نیز مناصات اجرایی آن را تقبل کردند.

این قرارداد که در ۵ ماده به امضا طرفین رسیده است، حائز اهمیت سیاسی بسیار رجدی، نه تنها از منظر ملی و منطقه‌ای، بلکه جهانی است. بخشی از مفاد این موافقتنامه به قرار زیر است: ماده ۲ - برای تحقق اهداف اصلی عدم مداخله و عدم تجاوز هر یک از طرفین مذاکره متعهد می‌شوند. مواد زیر را به اجرا در آورند: - احترام به حاکمیت، استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، وحدت ملی و موضع عدم تعهد طرف دیگر و همچنین رسوم ملی و میراث فرهنگی آن - احترام به حق مسلم حاکمیت طرف دیگر در تعیین سیاست، اقتصاد، فرهنگ و سیستم اجتماعی، توسعه روابط بین‌المللی، استقرار کرامت‌پایدار بر سر ثروت ملی با اراده خلق و به‌دور از زنجار و زور و مداخله نیروهای خارجی و فعلیت‌بخش‌کارانه، فشا و تهدید به هر شکل.

امتناع از بازگشت زور و به هر شکل آن به منظور خودداری از تهدید مرزهای یکدیگر، امتناع از نقض نظام اقتصاد، سیاسی و اجتماعی طرف دیگر و سرنگونی یا تغییر سیستم سیاسی یا حکومتی آن و یا ایجاد تشنج بین طرفین.

تضمین عدم استفاده از خاک کشور برای نقض حاکمیت، استقلال سیاسی، تمامیت ارضی، وحدت ملی یا ثبات سیاسی و اقتصادی و اجتماعی طرف دیگر. - امتناع از تجاوز مسلحانه، اعمال خرابکارانه، اشغال‌ناهم‌های هر شکل دیگری و زور مداخله بنه‌ان و آشکاره متوجه طرف دیگر بشود امتناع از هر عملی مداخله‌گرانه نظیر، اقتصاد، سیاسی در امور داخلی کشورهای دیگر، از جمله قدامت‌تضییقی مبتنی بر زور. - امتناع از هرگونه فعالیت و تلاش در هر شکل با هر رسانه‌ای برای بی‌ثبات کردن و یا آسیب رساندن به ثبات طرف دیگر یا هر یک از آنها در آن. - خودداری از هرگونه همکاری یا تشویق و حمایت مستقیم و غیر مستقیم از فعالیت آشوبگرانه، بی‌جا جدا خواهان علیه طرف دیگر به هر رسانه‌ها و امتناع از هر عملی که متوجه برهم‌زدن نظم سیاسی طرف دیگر باشد.

عدم مداخله در آموزش، تسلیح، تأمین مالی هر نوع مزدور به قصد انجام هرگونه عمل خصومت‌آمیز علیه طرف دیگر یا گسیل جنین مزدوری به کشورهای دیگر. - امتناع از بستن هرگونه قرارداد دوجانبه یا موافقتنامه‌ای با دیگر کشورهای که متوجه مداخله و تجاوز در امور داخلی کشور مقابل باشد. - خودداری از رهنوع کارزار افترا آمیز، تسلیحات‌آمیز یا میزبانی هدف تجاوز و مداخله در امور داخلی کشورهای دیگر.

خودداری از هرگونه کمک یا بهره‌گیری بی‌پایه پذیرش گروه‌های تروریستی و خرابکاران و ایجاد علیه کشورهای دیگر فعالیت می‌کنند.

عدم پذیرش حضور یا پناهندگان و یا هرگونه سازمان‌های سیاسی، قومی و غیره در اردوگاه‌ها و بیگانه‌ها به منظور انجام فعالیت خرابکارانه و ایجاد بی‌ثباتی و اغتشاش در سرزمین طرف دیگر و همچنین ممنوعیت استفاده این افراد و گروه‌ها از رسانه‌های خبری و حمل و نقل و تسلیحات و ابزار جنگی. - عدم پذیرش و عدم توسل به هر عمل دیگری که مداخله و تجاوز و محسوب شود.

دولتهای افغانستان و پاکستان و پاکستان جداگانه‌ها بر سر تأمین شرایط و مکان بازگشت فراریان افغان مستقر در پاکستان، به توافق رسیدند. دولت پاکستان موظف گردید شرایط برای بازگشت صلح آمیز و منصفانه را در افغانستان تسهیل کرده و کمک‌های لازم ممکن را در این راه به عمل آورد. دولت افغانستان نیز یک بار دیگر بر تضمین محل زندگی و بهره‌گیری از حق کامنا به حق مشارکت در راه مورکشور و بر خودداری آنها از تمام مزایا و حقوق برابر، مانده همه شهروندان افغانستان تا یکدیور زنده است.

ضمناً بین‌المللی دولت‌های اتحاد شوروی و آمریکا، طی امضا

انسحاق در حزب دمکرات

در پی برگزاری کنگره هشتم حزب دمکرات کردستان ایران، رهبری این حزب به دو بخش تقسیم شد، یکی در پی مصالح مردم کردستان با ایجاد می‌کننده تفرقه در صفوف نیروهای مترقی کردستان می‌باشد و هر روز خلق کرد را جلب پشتیبانی و همبستگی با نیروهای مبارز کشورهای دیگر می‌آید.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با احساس مسئولیت عمیق درقبال مصالح آتی و آتشی جنبش ملی خلق کرد، همواره خواستار آن بوده است که صفوف حزب دمکرات کردستان ایران، برپایه بنیان انقلابی بنیاد نگذارند و بر اساس اهداف ترقی‌خواهانه و دموکراتیک جنبش ملی کردستان، تحکیم و گسترش یابد. ما با تا کی در اهمیت مبارزه خلق کرد علیه رژیم مستعمر و سرکوبگر خمینی و در راه دموکراسی برای ایران - کردستان و خودمختاری برای کردستان و جایگاه ویژه جنبش ملی کردستان در جنبش انقلابی و دموکراتیک کشور، بی‌گنجه و بی‌کفایت، اهمیت تلاش‌ها و جدای سیاست اتحاد و همکاری حزب دمکرات کردستان ایران با نیروهای انقلابی و ترقی‌خواه کشور و جهان را به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران یادآور شده ایم.

بر همین اساس، ما نگرانی خود را از رشد گرایش‌های منفی مبتنی بر فاسدکاری، ترقی از آرزوهای دمکراتیک و ترقی‌خواهانه و همبستگی تقویت انحطاط طلبی در رهبری حزب دمکرات کردستان ایران که می‌باید خصلت دمکراتیک و مترقی جنبش ملی خلق کرد و منافع اصلی را رعایت دمکراسی در صفوف حزب است، و نیز نگرانی از بی‌ساختن گفتمان فراخوان‌های اتحاد دوجانبه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) با رهبران اعلام‌شده، این روندهای منفی که مورد انتقاد ما بوده و هست، متأسفانه تا به امروز ادامه یافته و گسترش بیشتری یافته است. به طوریکه در انتقاد کنگره هشتم حزب رسماً بر اجتناب از همکاری و اتحاد فدائیان خلق ایران (اکثریت) تأکید شده است. این موضع غیرمسئولانه و غیردمکراتیک رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، بی‌نگرانی سطح پیشرفت و گسترش روندهای منفی در کمیته مرکزی حزب است.

اگر مسلم، این بوده که تضعیف مواضع ترقی‌خواهانه در رهبری حزب دمکرات کردستان ایران و عدم استقبال آن از نظرات و انتقاداتی که خواهان نزدیکی، اتحاد و همبستگی حزب با نیروهای دمکراتیک ایران و جهان بوده است، نمی‌توانست به تشدید تنش در رهبری و بدنه حزب نیا تجماع‌مندی‌های تجزیه و شقاق در صفوف حزب را گسترش ندهد.

زمانی که در برخورد با انتقادات و اختلافات درون حزبی، شیوه‌های دفع‌کننده و یا نقض اصول حل دمکراتیک مسائل مورد اختلاف کاملاً آشکار و خطرات است که حزب در معرض شست و شوی قرار گیرد، این خطر به ویژه در شرایط عینی نامساعد جنبش پیشتر می‌شود، در شرایط رکود، احساس از دست رفتن امید به حل و فصل دمکراتیک و مدبرانه اختلافات درون حزب افزایش می‌یابد.

متأسفانه در سالهای اخیر، رهبری حزب دمکرات کردستان در مسیری کاملاً مبردا شده و به روش‌هایی آدا مه‌داد است که مورد انتقاد جدی ما و دیگر نیروهای انقلابی بوده و هست. اکنون، حزب دمکرات کردستان ایران، دستخوش انشقاق شده و مسلماً در صورت تداوم گرایش‌های منفی و ادامه شیوه‌های غیردمکراتیک در مسائل درون حزبی، حزب همچنان در معرض شست و شوی قرار خواهد داشت.

اما در لحظه کنونی، مسئله مرکزی، همانست که چونگی برخورد با وقایع پیش آمده است. اینک همه تلاش‌ها باید متوجه جلوگیری از وارد شدن آسیب‌های بیشتر به جنبش ملی خلق کرد گردد و فقط در راستای تعالی و تقویت جنبش دمکراتیک خلق کرد و جنبش انقلابی و دمکراتیک سرزمینی تا شیرکند.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهان آن است که هر دو بخش رهبری حزب دمکرات کردستان ایران، با اجتناب از کار رست روش‌هایی که جوتخام‌ورود و روشی را در من می‌زند، بگویند زبانه‌ها هم متقابل و مذاکره‌ای همگامی و همیاری را فراهم آورند. تنها راه مسئولانه برای طرفین، راهی که منطبق بر منافع بوده‌های خلق کرد و همه مردم ایران است، اتحاد در مبارزه مشترک علیه رژیم سرکوبگر جمهوری اسلامی و در پیش گرفتن همگامی و همیاری با یکدیگر علیه استبداد امپریالیسم و ارتجاع خمینی است.

تورج ابوجهاد را محکوم می‌کنیم

ما مورین رژیم تروریستی و جناحی را اسرائیل ۲۶ فوریه ماه، ابوجهاد، معاون سرفرماندهی نیروهای مسلح انقلاب فلسطین و عضو کمیته مرکزی الفتح را در محل اقامتش در تونس به قتل رساندند. دستور قتل ناخواسته ابوجهاد، مستقیماً توسط نخست وزیر، وزیر دفاع و وزیر خارجه اسرائیل صادر شده بود.

رژیم صهیونیستی اسرائیل که از در هم شکنندگی قیام یگانه رچه خلق فلسطین مایوس شده، به تفکیک و دامنشانه رهبران قیام دست باز دیده است. توسل سبانه به ترور و کشتار جمعی مردم فلسطین، نشاندهنده زبونی رژیم تروریست اسرائیل است. مردم فلسطین با گسترش اعتراضات و تظاهرات، خشم و نفرت خود را علیه آدم‌کشی‌های اسرائیل ابراز می‌دارند. ترور ناخواسته ابوجهاد، چهره گریم رژیم اسرائیل را پیش از پیش فاش و خشمناک‌تر از رجا نشان را علیه آن برانگیخته است.

در پی قتل و وحشیانه ابوجهاد، تظاهرات و اعتراضات در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه - اوج بی‌سابقه‌ای به خود گرفت. فلسطینیان در این تظاهرات خود را با یاد دادن به خود سرپای رژیم اسرائیل و نیروهای ویژه آن که منجر به ریخته شدن خون صدها میهن پرست فلسطینی شده است، گردیدند. اشغالگران همرا با سرکوب و وحشیانه تظاهرات در اکثر نقاط مسکونی اردوگاه‌های فلسطینی و در ساحل غربی رود اردن و نوار غزه، مقررات منع عبور و مرور برقرار کردند. هزاران سرپای زوگوما ندوبی برای برانگیزدن جمعیت، به تظاهرات کنندگان حمله کردند. هلیکوپترهای جنگنده اسرائیلی نیز برای کشتن آتش بر روی تظاهرات کنندگان وارد میدان گردیدند. کاهرت نتیجه آن ۱۷ نفر از جمله زنان و کودکان کشته و صدها زخمی شدند. این روز، خونین ترسین روز در تمام مدت پنج ماهه دوره اخیر قیام فلسطینی است.

کمیته مرکزی سازمان ما در رابطه با قتل ابوجهاد، بهیام همدمردی به شورای رهبری سازمان آزادبخش فلسطین ارسال داشت که در آن ضمن ابراز انزجار و رد عمل تروریستی رژیم اسرائیل و محکومیت آن، با رد دیگر حرمانیت سازمان را از علامت‌گذاری فلسطین برای تشکیل دولت مستقل فلسطینی تحت رهبری سازمان آزادبخش فلسطین، تأکید گردیده است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) خواهان آن است که سیمای حزب دمکرات کردستان ایران همان بماند که توسط بنیاد نگذاران حزب ترسیم گردیده و از در طول چند دهه توسط بهترین فرزندان خلق و مستعده ترین رهبران حزب و سبانه قیمت رنج و خون فراوان با یاداری شده است. این سیمای خطوط اصیل اتحاد دمکراتیک و همکاری همه نیروهای مدافع خودمختاری کردستان در ایران دمکراتیک، با افتناری بر سر توشیحای کسان خلق کرد باید دیگر خلق‌های میهنیان و نتایج با بر لزوم اتحاد تنگ‌نیروهای ملی خلق کرد با سازمان‌ها و احزاب انقلابی و دمکراتیک کشور در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع و تاکی بر تلاش مستمر به منظور تاسیس و گسترش روابط دوستانه با کشورهای سوسیالیستی و مترقی و نیروهای ترقی‌خواه جهان است. به اعتقاد ما، سازمان ما، از محقق و با یاداری از دستاوردها و دستاوردها اصیل انقلابی حزب دمکرات کردستان ایران و میراث‌داری تاریخی آن، با یاداری در مواضع ترقی‌خواهانه تاریخی آن است.

سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) علیرغم انشقاق در صفوف حزب دمکرات کردستان ایران، از مبارزه همه نیروهای حزب دمکرات در راه سرنگونی رژیم خمینی، دفاع و جایبنداری می‌کند. کمیته مرکزی سازمان همانگونه که با رها از جمله در نامه‌های مورخ ۲۵ مرداد ماه ۶۴ و ۱۵ آذرماه ۶۶، به کمیته مرکزی حزب دمکرات کردستان ایران خاطر نشان کرده است، با رد دیگر اعلام می‌دارد که وقتی مسئله مبارزه علیه رژیم در راه تاسیس و گسترش دمکراسی برای ایران و خودمختاری برای سرزمین کردستان مطرح است، هیچ پیش شرط و اختلاف نظر بر سر مسائل دیگر، نمی‌تواند دهنی یا دهنی در راه همکاری و رزم جویانه و بسط اتحاد عمل ما در مقابل به رژیم مستعمر و سرکوبگر ولایت فقیه به وجود آورد. این فراخوان، اکنون نیز خطاب به همه نیروهای حزب دمکرات کردستان ایران است. قوت خود باقی است.

مطالسه مردم ایران و خلق کرد، اتحاد دمکراتیک همه نیروهای انقلابی و دمکراتیک و ترقی‌خواه کشور در مبارزه علیه رژیم مستعمر و سرکوبگر خمینی است.

به یاد بیژن و یاران

سایم فروردین ماه، سالروز شهادت قهرمانان رفیق بیژن جزئی بنیاد نگذاران سازمان فدائیان قهرمان رفقا حسن ضیا، ظریفی، محمدجواد شزاده، سعید مشعوف کلانتری، عزیز سمدی، احمد جلیل فشار، عباس سورگی و مجاهدین خلق ممطفی جوان خوشدل و کاظم ذوالانوار است.

"بزرگداشت، لحظه غرور، یادآوری، تعمق و نگاه به آینده است." و برای ما فدائیان خلق، بزرگداشت بیژن و یاران چنین است.

ما از بیژن و رهگشا یا، از اشراف‌ها و بهروزها، از پویان‌ها و مفتاحی‌ها و از همه انقلابیون دهه ۴۰ با غرور و افتخار یاد می‌کنیم. ما افتخار می‌کنیم که بنیاد نگذاران سازمان ما، برچمداران ایمان، صداقت، شجاعت، امید و حقیقت‌جویی بودند و این همه را با ایثار جان خود با یاداری و وفاداری عاشقانه در راه خلق، نشان دادند.

بزرگداشت لحظه یادآوری است. یادآوری روزهای سخت سال‌های ۴۰، تاخت و تاز زدیبار، انقلاب سفید... روزهای صیقل دادن سلاح و تدارک کارزار، روزهای جوش محافل گروه‌های تازه، خانه‌های شبی و درگیری‌های خیابانی، تک نغمه‌های خیزش توده‌ای، افسریه، شبهای شعیه، تیزرونیام عظیم مردم، بیت وحیرت باوران، اشک شوق انقلابیون و تلخی شرنگی که در کام مسام ریخته است؛ جای خالی بیژن... چه کاری بود زخمی که دشمن با داشته‌های بیژن، برپیکر سازمان نشانده و چه جای ننگ بود و خلع وجود بیژن و درویش‌های دشمن و هدایت میلیون‌ها مردم به با خاسته!

بزرگداشت، لحظه تعمق در راه طی شده است. تعمق در رفتار و فرودها، شکست‌ها و پیروزی‌ها است. تعمق در لحظات هفده گانه بیژن را، عمر ما زمان. تعمق در کج‌اندیشی‌ها و خطاها. تعمق در کردار عظیم انقلاب بیژن که بدان گونه نشانمان از راه رسید و بدین گونه پرشتاب از دستمان توده‌ها برآمده است و سرانجام تعمق در جنبش فدائیان و راهی که ایسین جنبش تا امروز پیمود.

بزرگداشت، نگاه به آینده است. به گذشته می‌نگریم. به گذشته بازمی‌گردیم. با رها و بارها. در گذشته غم می‌کنیم، تا آینده را بسازیم. ستاره‌های که بیژن ما می‌شود در آخرین نگاه فروردین بر سر خاسته‌بود، ظلام دهه ۴۰ را و لودمی - روشنی‌سب بخشیده، در راه تسخیر فرادیده دهه ۵۰ سرکشیده بود. با ساری افراشته و چشمانی نافذ و کوهانده، جستجوگر در دیربوی برای گذار از معبر برپنج و خفرا. مشغلی را که از دست بیژن‌ها به دستمان رسیده است، فروزان نگاه داریم. با درس آموزی از مکتب انقلاب بیژن و بررسی نقادانه تجربه گذشته در پرش و آموزش‌های لیبینی، روزهای دشوار و سنگین گذار سلطه‌سپاهی و خرافات را با پروانه‌ها و استقبال از مارش توفنده توده‌ها در روزهای بیست ساله برویم. این مهم‌ترین درسی است که با یاد از مکتب بیژن و پیشاهنگان را در دهه‌های چهل و بیست و شش، هراندازه تاریک، سرانجام رفتنی است. صبح توده‌ها در راه است.

تصحیح و پوشش

با پوشش از خوانندگان، در شماره گذشته به "کار" در صفحه ۸ ستون اول با راگراف ما قبل‌خر ناقص چاپ شده بود. متن کامل را راگراف چنین است:

رویدادهای اخیر به معنای تجدید نظر در فقه سنتی و تئوری ولایت فقیه به طور کلی نیست. اما تضعیف موقعیت شورای نگهبان (شورای فقه) بدینگونه جلوه‌یابستار تضعیف "شرع" در برابر مصلحت حفظ نظام.

با جمع آوری کمک‌های مالی

فدائیان خلق را در انجام وظایف انقلابی خود یاری دهید.

آدرس: PI-10 1091 WIEN AUSTRIA

حساب بانکی: AUSTRIA-WIEN BAWAG NR. 029 10701-650 DR. GERTRAUD TRER

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی جمهوری اسلامی